

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 95/06/07

برنامه حبل المتین

موضوع: آیا مسئله «خمس» در اسلام، فقط مخصوص غنائم جنگی است!؟

خلاصه آنچه در این برنامه خواهید دید...

عناد و لجاجت و بی عقلی وهابی ها از شنیدن کلام حق!! آن‌ها ادعا می‌کنند که ما حتی یک مورد هم نداریم که امیرالمؤمنین بر امامت و خلافت خودشان استدلال کرده باشد. ما در جواب این ادعا مطالب زیادی از کتب شیعه با سند صحیح و از کتب اهل سنت و حتی از کتاب «صحیح بخاری» نقل کردیم که امیرالمؤمنین خود را خلیفه به حق نبی مکرم اسلام و امام منصوب می‌دانند و دیگران را غاصب حق خودشان می‌دانند.

اما متأسفانه انگار بازهم حرف‌های ما برای آقایان وهابی گویا سوره یاسین خواندن بود. مشاهده کردم چند شب پیش دومرتبه خدمتگزار صهیونیسم و داعش دومرتبه می‌گوید: علی بن ابی طالب یک مرتبه هم نگفت که خلیفه به حق پیغمبر اکرم است.

جواب ما به کارشناسان شبکه‌های شیطانی صهیونیستی این است که اگر واقعاً راست می‌گویید، بیایید مطالب را نقد کنید و جواب بدهید. اگر اشکالاتی وجود دارد، اشکالات را به صورت علمی برطرف کنید. ما به اشکالات شما جواب می‌دهیم، یا اگر حرفتان قانع کننده بود در همین شبکه رسماً اعلام می‌کنیم که حرف این آقایان در این زمینه قانع کننده بود و ما هم قبول می‌کنیم و در آن هیچ شک و شبهه‌ای نداریم.

متأسفانه این افراد روش‌هایی را پیش گرفتند که نمی‌دانم خداوند عالم عقل و درایت و فکر این افراد را هم سلب کرده است یا نه. به عنوان نمونه من واقعاً برای عقل و فکر آقای «خدمتی» تأسف خوردم؛ اصلاً یک بچه هم به این صورت حرف نمی‌زند. من معتقدم حتی اگر کسانی که در دارالمجانین هستند، صحبت کنند بهتر از ایشان حرف می‌زنند.

او می‌گوید: چند نفری که جمهوری اسلامی آنان را اعدام کرده است، تمام این افراد را مثله کرده و دست و گوش و دماغ این افراد را بریده است؛ اگر خلاف این هست بیایند ثابت کنند. خیلی عجیب است؛ اگر کسی از الفای اسلام خبر داشته باشد، می‌داند که: «البینة للمدعی و الیمین علی من أنکر» کسی که ادعا می‌کند باید بینه بیاورد، نه کسی که آن را انکار می‌کند.

الان بر فرض مثال کسی بیاید و ادعا کند که شما صدها مرتبه دزدی کردید؛ اگر راست می‌گویید خلاف آن را ثابت کنید!! یا بر فرض آقای «خدمتی» شما مرتکب زنا شدید و اگر دروغ هست استدلال کنید که چنین نیست. این چه وضعی است؟! چرا این‌طوری صحبت می‌کنید؟! بیایید روی کارهایی که می‌کنید، مقداری فکر کنید زیرا والله پشیمان خواهید شد. قسم به تمام مقدسات دینی و مذهبی روزی از کارهای خود پشیمان خواهید شد، اما آن روز دیگر پشیمانی هیچ سودی به حال شما نخواهد شد.

استدلال امیرالمؤمنین به مسئله خمس بر ولایت و امامت خویش! حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «أنشدکم بالله أمنکم من نصبه رسول الله (صلی الله علیه وآله) یوم غدیر خمّ للولاية غیری؟»... «أفیکم أحد کان يأخذ الخمس غیری و غیر زوجتی فاطمة؟» شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا غیر از من و زهرا کسی خمس دریافت کرده است؟! «قالوا: اللهم لا» گفتند: به خدا نه. مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)؛ أحمد بن موسی ابن مردویه الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، ص ۱۳۲، ح

همچنین جناب آقای «سیوطی» و جناب آقای «ابن عساکر» در «تاریخ دمشق» همین مطلب را دارند. از کتاب «صحیح مسلم» هم نقل کردیم که از «ابن عباس» نقل شده است: «وَكَتَبْتُ تَسْأَلُنِي عَنِ الْخُمْسِ لِمَنْ هُوَ» می‌گویند: نوشتید این خمس به چه کسی تعلق دارد! «وَإِنَّا كُنَّا نَقُولُ» ما بنی هاشم همواره این مطلب را می‌گوییم. «هُوَ لَنَا فَأَبَى عَلَيْنَا قَوْمَنَا ذَاكَ» خمس مال ماست اما قریش جلوگیری کردند و حق ما را ندادند. صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۴۴، ح ۱۸۱۲

مراد از «ذوی القربی» چه کسانی هستند؟ «فضائل الصحابه» که اثر «احمد بن حنبل» متوفای ۲۴۱ می‌نویسد: «لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» زمانی که آیه: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) نازل شد، «قالوا يا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ قَرَابَتُكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ» گفتند: یا رسول الله در قرابتی که در اینجا آورده است، مراد از قربی چه کسانی هستند که مودت این افراد واجب است؟! «قال علی وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهَا» رسول گرامی اسلام فرمودند: مراد از قرابت علی و فاطمه و فرزندان این دو بزرگواران هستند. فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۲، ص ۶۶۹، ح ۱۱۴۱

در کتاب «معجم کبیر» اثر «طبرانی» جلد سوم؛ «تفسیر بحر المحیط» اثر «ابو حیان آندلسی» در جلد هفتم صفحه ۴۹۴؛ آقای «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد هفتم صفحه ۱۰۳ همین روایت بیان شده است.

ذکر روایاتی مبنی بر استناد ائمه طاهرین (علیهم السلام) به آیه مودت! امیرالمؤمنین می‌فرماید: «وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَوَدَّتَهُمْ وَوَلَايَتَهُمْ» من از اهل بیتی هستم که خداوند عالم مودت و ولایت آنان را واجب کرده است، «فقال فيما أنزل على محمد (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى)» سپس امام حسن (علیه السلام) آیه: (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى) را قرائت فرمودند. مجمع الزوائد ومنبع

الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۴۶، باب خطبة الحسن بن علی رضی الله عنهما

همچنین آقای «ابن حجر هیثمی» نقل می‌کند. «أی عن ولاية علی وأهل البيت لأن الله أمر نبيه أن يعرف الخلق أنه لا يسألهم على تبليغ الرسالة أجرا إلا المودة في القربى» الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۴۳۷

همچنین امام سجاد به نقل کتاب «تفسیر طبری» زمانی که اسرای اهل بیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را وارد شام می‌کنند، بعضی افراد شروع به شماتت می‌کنند. امام سجاد (علیه السلام) به آن فرد می‌فرماید: آیا قرآن خوانده‌ای؟! می‌گوید: بله. حضرت می‌فرماید: آیا (حم) را خوانده‌ای؟! او می‌گوید: بله. حضرت می‌فرماید: آیا آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) را خواندی؟! او می‌گوید: آری شما همین قری پیغمبر اکرم هستید که در این آیه آمده است؟! حضرت فرمودند: بله ما هستیم! این روایت داستان مفصلی دارد که او گریه کرد و شروع به عذرخواهی کرد.

آیا «خمس»، فقط مخصوص غنائم جنگی است؟! عزیزان شیعه مخصوصاً کسانی که در فضای مجازی یا سایبری با وهابیت یا عزیزان اهل سنت بحث‌های علمی دارند، تقاضا دارم به این بخش از عرایض من خوب دقت کنند.

الف) بررسی واژه «غنیمت» در کتاب‌های لغوی:

«وَالْغَنْمُ: الْفَوْزُ بِالشَّيْءِ فِي غيرِ مَشَقَّةٍ وَالْغَنْمُ: رسیدن به چیزی بدون مشقت است. «وَالْغَنِيمَةُ: الفیء» کتاب العین، المؤلف: أبو عبد الرحمن الخلیل بن أحمد بن عمرو بن تمیم الفراهیدی البصری (المتوفی: ۱۷۰ هـ)، المحقق: د مهدی المخزومی، د إبراهیم السامرائی، الناشر: دار ومکتبة الهلال، ج ۴، ص ۴۲۶، باب الغین والنون والمیم

کتاب «غریب الحدیث» داریم که: «وَأَصْلُ الْغَنِيمَةِ وَالْعُنْمُ فِي اللِّغَةِ الرَّيْحُ وَالْفَضْلُ» اصل غنیمت و غنم در لغت به معنای سود است. غریب الحدیث، المؤلف: عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري أبو محمد، الناشر: مطبعة العاني – بغداد، الطبعة الأولى، ۱۳۹۷، تحقيق: د. عبد الله الجبوري، ج ۱، ص ۲۲۹

«فیروزآبادی» در کتاب «قاموس المحيط» می‌گوید: «الْغَنِيمَةُ فِي الْأَصْلِ هِيَ الْفَائِدَةُ الْمَكْتَسِبَةُ» غنیمت در اصل فایده‌ای که انسان کسب می‌کند. «و لكن اصطلح جماعة على أن ما أخذ من الكفار» ولی جماعتی آمدند و گفتند اصطلاح در اخذ غنایم از کفار شده است. مجمع البحرين، نویسنده: طریحی، فخر الدین بن محمد، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد، ج ۶، ص ۱۲۹، باب (غمم)

ب) بررسی واژه «غنیمت» در کتاب‌های تفسیری:

در کتاب «المحرر الوجیز» اثر آقای «ابوحیان أندلسی» وارد شده است: «والغنیمة فی اللغة ما یناله الرجل أو الجماعة بسعی من ذلك» غنیمت مالی است که با تلاش به دست مرد یا گروهی می‌آید. المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسی، دار النشر: دار الكتب العلمية – لبنان – ۱۴۱۳ هـ – ۱۹۹۳ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد السلام عبد الشافی محمد، ج ۲، ص ۵۲۸، باب الأنفال: (۴۱) واعلموا أنما غنمتم... ..

«فخر رازی» در کتاب «تفسیر کبیر»: «المسألة الأولى: الغنم: الفوز بالشيء» «دخلت فی أيدي المسلمين من أموال المشركين» التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، دار النشر: دار الكتب العلمية – بیروت – ۱۴۲۱ هـ – ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۱۵، ص ۱۳۲، باب الأنفال: (۴۱) واعلموا أنما غنمتم... ..

«تفسير قرطبي مى نويسد: «الغنيمة فى اللغة ما يناله الرجل أو الجماعة بسعى ومن ذلك» الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصارى القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ٨، ص ١، الأنفال: ( ٤١ (واعلموا أنما غنتم... ..

همچنين در «تفسير بحر المحيط» آمده است: «والغنيمة عرفاً ما يناله المسلمون من العدو بسعى وأصله الفوز بالشيء» اصل غنيمت رسيدن به چيزى است. تفسير البحر المحيط، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبى حيان الأندلسى، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ على محمد معوض، ج ٤، ص ٤٩٢

«روح المعانى»: «وغنم فى الأصل من الغنم بمعنى الربح» غنيمت در ريشه و لغت به معنای سود است. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، اسم المؤلف: العلامة أبى الفضل شهاب الدين السيد محمود الأوسى البغدادى، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج ١٠، ص ٢، باب الأنفال: (٤١) واعلموا أنما غنتم... ..

«تفسير المنار»: «فَالْمُتَبَادِرُ مِنَ الْإِسْتِعْمَالِ» متبادر از استعمال غنيمت عبارت از اين است كه: «أَنَّ الْعَيْمَةَ وَالْغَنَمَ: مَا يَنَالُهُ الْإِنْسَانُ، وَيُظْفَرُ بِهِ مِنْ غَيْرِ مُقَابِلِ مَادِّي يَبْذُلُهُ فِي سَبِيلِهِ (كَالْمَالِ فِي التَّجَارَةِ مَثَلًا)» غنيمت عبارت از اين است كه انسان چيزى به دست مى آورد بدون آنكه چيزى در برابر آن داده باشد، همانند مال التجاره. تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، المؤلف: محمد رشيد بن على رضا (المتوفى: ١٣٥٤ هـ)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: ١٩٩٠ م، ج ١٠، ص ٤، باب ٤١

آقاي «طنطاوى»: «غنتم من الغنم بمعنى الفوز و الربح» غنيمت به معنای رسيدن به چيزى و سود است. التفسير الوسيط للقرآن الكريم، المؤلف: محمد سيد طنطاوي، الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة - القاهرة، الطبعة: الأولى؛ ج ٦، ص ٩٩

«تفسیر طبری»: «فإن عند الله مغنم كثيرة من رزقه وفواضل نعمه» در نزد خداوند غنیمت‌های زیادی از قبیل روزی‌های او و نعمت‌های فراوان است. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۱، باب النساء: (۹۴)

ج) بررسی واژه «غنیمت» در کتاب‌های حدیثی:

در کتاب «صحیح بخاری» حدیث داریم که: «فی العنبر واللؤلؤ الخمس» در عنبر و لؤلؤ خمس وجود دارد. آیا عنبر و لؤلؤ جزو غنایم جنگی است؟! آیا با ماهیان یا آب دریا می‌جنگند و این غنایم را به دست می‌آورند؟! «فإنما جعل النبي في الركاز الخمس» خداوند در اشیایی که زیر زمین باشد خمس قرار داده است. الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۲، ص ۵۴۴، باب ۶۴ ما یشترج من البخر

همچنین جناب آقای «عینی» می‌نویسد: «مسألة الركاز، وفيه وجوب الخمس وهو إجماع العلماء» علما اتفاق نظر دارند بر اینکه در اشیای زیرزمین خمس وجود دارد عمدة القاری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بدر الدین العینی (المتوفى: ۸۵۵ هـ)، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۹، ص ۱۰۳، باب فی الركاز

زمانی که رسول گرامی اسلام «عمرو بن حزم» را به یمن می‌فرستد تا سنت پیغمبر اکرم را به آنان آموزش دهد. حضرت به ایشان فرمودند: زمانی که به آنجا می‌روید، مردم را به کارهای خیر توصیه کنید. تا جایی که می‌فرمایند: «وأمره ان يأخذ من المغنم خمس الله» البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت، ج ۵، ص ۷۷، قدوم جریر بن عبد الله البجلی واسلامه

در کتاب «صحیح بخاری» حدیث ۳۶۸۰ وارد شده است که «عبادة بن صامت» که از نقبایی است که با پیغمبر اکرم بیعت کرده است. او می‌گوید ما با پیغمبر اکرم عهد بستیم: «إني من النقباء الذين بايعوا رسول الله وقال

بَايَعْنَاهُ عَلَى أَنْ لَا نُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا نَسْرِقَ وَلَا نَزْنِيَ وَلَا نَقْتُلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» من از جمله رؤسای قومی بودم که با پیغمبر بیعت کردیم که شرک به خدا نورزیم و دزدی نکنیم و زنا نکنیم و نفس محترم انسان بیگناه که خداوند محترم شمرده نکشیم سپس می‌گوید: «وَلَا تَنْتَهَبْ» غارت و چپاول نکنیم. الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص ۱۴۱۴، ح ۳۶۸۰

(د) بررسی واژه «غنیمت» در کلام فقهاء:

«ابن قدامه» که مورد تأیید وهابیت هم می‌باشد، می‌گوید: «الْفُضْلُ الثَّلَاثُ، فِي نِصَابِ الْمَعَادِنِ... وَأَوْجَبَ أَبُو حَنِيفَةَ الْخُمْسَ فِي قَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ» ابوحنیفه واجب کرده است هرکسی مال کم یا زیادی از معدن به دست آورد باید خمس آن را پرداخت کند. المغنی، المؤلف: أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد، الشهير بابن قدامة المقدسی (المتوفى: ۶۲۰ هـ)، ج ۵، ص ۴۰۵، ح ۱۹۰۹

«المدونة الكبرى» می‌نویسد: «كان مالك يقول في دفن الجاهلية مما يصاب فيه من الجوهر والحديد والرصاص والنحاس واللؤلؤ والياقوت وجميع الجواهر أرى فيه الخمس» المدونة الكبرى، اسم المؤلف: مالك بن أنس، دار النشر: دار صادر - بيروت، ج ۲، ص ۲۹۲، باب في الجوهر واللؤلؤ والنحاس يوجد في دفن الجاهلية

«مبسوط» اثر «سرخسی» که از فقهای بزرگ احناف است، روایتی به همین شکل بیان شده است. «وَهَذَا لِأَنَّ الْمَعْنَى الَّذِي لِأَجْلِهِ وَجِبَ الْخُمْسُ فِي الْكَنْزِ مَوْجُودٌ فِي الْمَعْدِنِ فَإِنَّ الدَّهَبَ وَالْفِضَّةَ تَحْدُثُ فِي الْمَعْدِنِ مِنْ عُرُوقٍ كَانَتْ مَوْجُودَةً حِينَ كَانَتْ هَذِهِ الْأَرْضُ فِي يَدِ أَهْلِ الْحَرْبِ» المبسوط، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسی (المتوفى: ۴۸۳ هـ)، ج ۳، ص ۳۵۴، باب معادن و غيرها

مذمت شدید کشتار مسلمین در لسان پیغمبر اکرم!



ابن ابی حاتم می نویسد: «ان اناسا من اصحاب رسول الله ذهبوا يتطرقون» تعدادی از اصحاب پیغمبر اکرم برای تبلیغ یا جهاد رفتند. آن‌ها مردانی از دشمن را یافتند و به آنان حمله کردند و آنها را کشتند. در این میان به مردی رسیدند و آن مرد گفت: «انی مسلم انی مسلم» من مسلمانم، من مسلمانم. «فاوجزه بالسنان فقتله» اموال آن شخص را گرفتند و او را با شمشیر کشتند. زمانی که این خبر به رسول گرامی اسلام رسید، ایشان به آن مرد قاتل گفتند: «اقتلته بعد ما قال انی مسلم؟» بعد از اینکه گفت من مسلمانم او را کشتی؟ «قال: یا رسول الله: قالها متعوذا» گفت: یا رسول الله او به جهت اینکه از شمشیر ترسید گفت من مسلمانم. «قال: شقت قلبه؟» حضرت فرمودند: قلب او را شکافتی تا ببینی از صمیم قلب می‌گوید یا لقلقه زبان است؟ «قال: لم یا رسول الله؟» گفت: یا رسول الله من برای چه قلب او را بشکافم؟ «قال: لتعلم اصادقا هو أو كاذبا» حضرت فرمودند: قلب او را می‌شکافتی تا ببینی واقعاً راست می‌گوید که مسلمان است یا دروغ می‌گوید! «قال: وکنت عالما ذلک یا رسول الله» مرد گفت: من یقین داشتم که این شخص از یقین نمی‌گوید من مسلمانم، بلکه به ظاهر می‌گوید مسلمان است. راوی می‌گوید: «فما لبث القاتل ان مات فحفر له اصحابه فاصبح وقد وضعته الأرض» این شخصی که مسلمانی را بیگناه کشته بود از دنیا رفت و او را در مکانی دفن کردند و زمین جنازه او را بیرون پرت کرد، «ثم عادوا فحفروا له فاصبح وقد وضعته الأرض إلى جنب قبره» او را دومرتبه در جای دیگری دفن کردند و دومرتبه زمین جنازه او را به بیرون پرت کرد. «لا تقبله الأرض» او را چندین مرتبه دفن کردند اما زمین جنازه او را قبول نمی‌کرد. «فلما رأينا الأرض لا تقبله اخذنا برجلیه فالقیناه فی بعض تلك الشعاب» نقل شده است زمانی که افراد دیدند زمین جنازه او را قبول نمی‌کند جنازه او را از دره‌ای پرت کردند. «فانزل الله تعالی: یا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا اهل الاسلام إلى آخر الایة» سپس خداوند متعال این آیه را نازل کردند: (یا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا اهل الاسلام إلى آخر الایة)

تفسیر القرآن (لابن ابی حاتم)، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن إدريس الرازی، دار النشر: المكتبة العصرية -

در کتاب «صحيح مسلم» در حديث ۱۵۸ وارد شده است که رسول گرامی اسلام به این صحابی فرمودند: بعد از اینکه «لا اله الا الله» گفت او را کشتی؟ شخص گفت: یا رسول الله! به خاطر ترس از شمشیر گفت. رسول گرامی اسلام فرمودند: «أَفَلَا شَقَّقْتَ عَنْ قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَقَالَهَا أَمْ لَا» چرا قلبش را شکافتی تا ببینی واقعاً راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید؟ «فَمَا زَالَ يَكْرُرُهَا عَلَيَّ» دیدم رسول گرامی اسلام دائماً این حرف را تکرار می‌کند. «حَتَّى تَمَّتْ أُنِّي أَسْلَمْتُ يَوْمَئِذٍ قَالَ فَقَالَ سَعْدٌ وَأَنَا وَاللَّهِ لَا أَفْتُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَفْتُلَهُ» این شخص گفت: من آرزو می‌کردم ای کاش کافر بودم و امروز مسلمان می‌شدم و در این جهاد شرکت نمی‌کردم و بیگناهی را نمی‌کشتم و نبی گرامی اسلام را اینطور مورد اذیت قرار نمی‌دادم. صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين

القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۹۶، ح ۱۵۸

بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

آقا عظیم از گلستان بندر گز در ابتدای برنامه به ما پیام دادند و گفتند: همیشه شاگرد دانشگاه ولایت هستند.

حاج حسن از گنبد کاووس گفتند: خدایا زبانم، قلبم و چشمم را با نام مبارک مولایم علی و ذکرش در روح و روانم مستدام بدار؛ الهی آمین.

عزیزی با شماره ۲۹۶۸-۰۹۱۱ از استان گیلان پیام دادند و آمار ما را گرفتند و گفتند: شنیدیم که به استان گیلان آمدید. یکی از بستگان ایشان هم ما را دیده‌اند و جالب است که در ادامه نوشتند: حیف دیر خبردار شدم و گرنه یک بوس سفارشی محضر استاد گرامی می‌فرستادم.

آقای یوسفی از سلمان‌شهر مازندران گفته است: " سلام ویژه محضر حضرت استاد قزوینی. بنده چهره نورانی شما را می‌بینم و برای سلامتی و طول عمر جنابعالی صلوات می‌فرستم و از شما سید بزرگوار التماس دعا آقا دارم. یا علی مدد"

## تفصیل مطالب این برنامه

### مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر ایزد که من علی دارم

بر سرم سایه ولی دارم

چون رضای علی رضای خداست

روز و شب ذکر یا علی دارم

«یا علی مدد»

با نام و یاد خدای عزیز و بخشنده و مهربان کلام را آغاز می‌کنیم که نامش بهترین نام‌ها و یادش آرامش جان‌هاست و دل‌هاست.

سلام و درود به روی ماه شما دوستان خوب بیننده و همراهان عزیز «شبکه جهانی ولایت»؛ خانم‌ها و آقایان محترم هرکجای ایران اسلامی و هرکجای این کره خاکی هستید و با برنامه زنده «حبل المتین» هستید.

بنده علی اسماعیلی با افتخار در خدمت شما هستم و امشب آمده‌ام تا در خدمتتان باشم. هفته گذشته توفیق نداشتم تا در خدمت شما باشم، البته خدا را شکر می‌کنم که باز هم توفیق و عمری داشتیم تا در مقابل دیدگان مهربان شما دوستان خوب بیننده قرار بگیریم.

همین ابتدای برنامه آقای کیا کارگردان خوب و خوش سلیقه ما زحمت کشیدند برای شما زیرنویس کردند. «۳۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه ما هست که برای شما کاملاً آشنا هست و عزیزانی که در ایران اسلامی هستند، می‌توانند به ما پیام بدهند.

همچنین شماره‌ای که به عنوان شماره اول ثبت شده است و «۰۰۹۸» در ابتدای آن وارد شده است، شماره‌ای است که در فضای مجازی از طریق برنامه‌های واتس‌آپ، تلگرام و وایبر با ما در ارتباط باشید. این شماره را در گوشی تلفن همراه خودتان داشته باشید.

می‌توانید از عشق و ارادت و محبتتان به ساحت نورانی و ملکوتی آقا و مولایمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بگویید و همچنین در خصوص برنامه ما اگر سؤالی داشتید بفرمایید؛ ما سعی می‌کنیم سؤالات شما را در طول برنامه پاسخگو باشیم.

ضمناً بخشی از برنامه به تماس‌ها و تلفن‌های شما اختصاص خواهد داشت که هم می‌توانیم صدایتان را بشنویم و همچنین پیام‌های شما را دریافت خواهیم کرد و سؤالاتی که ان‌شاءالله برای ما ارسال خواهید کرد را پاسخگو خواهیم بود.

در یک یکشنبه شب دیگر از ماه ذی‌قعدة توفیق داریم در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. جناب استاد سلام علیکم و رحمة الله:

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند، تکرار برنامه را می‌بینند و سی دی برنامه را دریافت می‌کنند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم.

موفقیت روزافزون همه گرامیان را از خدای منان خواهانم. خدا را به آبروی محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) قسم می‌دهم فرج مولای ما بقیه الله الأعظم را نزدیک نموده و چشمان گنهکار ما را به دیدن جمال نورانی‌اش منور سازد.

از خداوند متعال می‌خواهم همه ما و شما عزیزان را حاجت روا نموده، دغدغه‌های فکری و آرزوهای قلبی ما که دغدغه‌خیز است را برطرف سازد، حوائج همه ما را برآورده کند و دعا‌های ما را به اجابت برساند، ان شاءالله.

### مجری:

خیلی متشکرم. دوستان خوب بیننده همان‌طور که مطلع هستید مدت‌هاست برخی از شبکه‌های معاند و وهابی صهیونیستی به این موضوع اشاره دارند که وجود نازنین آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به امامت و ولایت خودشان اشاره نفرموده‌اند.

ما مدت‌هاست که این بحث را آغاز کردیم و به شکل‌های مختلف و در جلسه‌های مختلف بیان کردیم و از محضر استاد مطالبی را شنیدیم و بهره‌مند شدیم.

در جلسات گذشته رسیدیم به اینجا که در شورای ۶ نفره وجود نازنین آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به امامت و ولایت خودشان استدلال کردند و کسانی که در آن جلسه بودند را قسم دادند.

در این خصوص مطالب خیلی خوبی را از زبان استاد شنیدیم. استاد حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به امامت و افضلیت خودشان در جلسه شورا اشاره فرمودند و استحقاق حضرت و وجود نازنین اهل بیت (علیهم السلام) به خمس اشاره فرمودند.

فرمودید که خمس در ردیف حق الله، حق الرسول است. من دوست دارم اگر صلاح بدانید خلاصه‌ای از مباحث گذشته بفرمایید تا ذهنیت دوستان بیننده آماده بشود و ان شاءالله سراغ سؤالات جدید برویم.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير.

همان طوری که جناب آقای اسماعیلی اشاره فرمودند وهابیت امروز مرتب در شبکه‌های شیطان‌ی صهیونیستی ادعا می‌کنند که اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) امام منصوب و خلیفه منصوب بود، باید در جایی به امامت خودشان اشاره می‌کردند.

### عناد و لجابت و بی عقلی وهابی ها از شنیدن کلام حق!!

آن‌ها ادعا می‌کنند که ما حتی یک مورد هم نداریم که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر امامت و خلافت خودشان استدلال کرده باشد.

ما در جواب این ادعا مطالب زیادی از کتب شیعه با سند صحیح و از کتب اهل سنت و حتی از کتاب «صحیح بخاری» نقل کردیم که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خود را خلیفه به حق نبی مکرم اسلام و امام منصوب می‌دانند و دیگران را غاصب حق خودشان می‌دانند.

ما روی این زمینه مفصل بحث کردیم، اما متأسفانه انگار بازهم حرف‌های ما برای آقایان وهابی گویا سوره یاسین خواندن بود.

مشاهده کردم چند شب پیش دومرتبه خدمتگزار صهیونیسم و داعش دومرتبه می‌گوید: علی بن ابی طالب یک مرتبه هم نگفت که خلیفه به حق پیغمبر اکرم است.

جواب ما به کارشناسان شبکه‌های شیطانی صهیونیستی این است که اگر واقعاً راست می‌گویید، بیایید مطالب را نقد کنید و جواب بدهید. اگر اشکالاتی وجود دارد، اشکالات را به صورت علمی برطرف کنید.

ما به اشکالات شما جواب می‌دهیم، یا اگر حرفتان قانع کننده بود در همین شبکه رسماً اعلام می‌کنیم که حرف این آقایان در این زمینه قانع کننده بود و ما هم قبول می‌کنیم و در آن هیچ شک و شبهه‌ای نداریم.

متأسفانه این افراد روش‌هایی را پیش گرفتند که نمی‌دانم خداوند عالم عقل و درایت و فکر این افراد را هم سلب کرده است یا نه.

به عنوان نمونه من واقعاً برای عقل و فکر آقای «خدمتی» تأسف خوردم؛ اصلاً یک بچه هم به این صورت حرف نمی‌زند. من معتقدم حتی اگر کسانی که در دارالمجانین هستند، صحبت کنند بهتر از ایشان حرف می‌زنند.

او می‌گوید: چند نفری که جمهوری اسلامی آنان را اعدام کرده است، تمام این افراد را مثله کرده و دست و گوش و دماغ این افراد را بریده است؛ اگر خلاف این هست بیایند ثابت کنند. خیلی عجیب است؛ اگر کسی از الفای اسلام خبر داشته باشد، می‌داند که:

«البینة للمدعی و الیمین علی من أنکر»

کسی که ادعا می‌کند باید بینه بیاورد، نه کسی که آن را انکار می‌کند.

الان بر فرض مثال کسی بیاید و ادعا کند که شما صدها مرتبه دزدی کردید؛ اگر راست می‌گویید خلاف آن را ثابت کنید!! یا بر فرض آقای «خدمتی» شما مرتکب زنا شدید و اگر دروغ هست استدلال کنید که چنین نیست.

این چه وضعی است؟! چرا این‌طوری صحبت می‌کنید؟! اگر کسی ادعا کند که جناب آقای «خدمتی» شاید جنابعالی طبق فتوای «امام ابوحنیفه» با مادرتان ازدواج فرمودید که می‌گویید:

«وقال أبو حنيفة لا حدَّ عليه في ذلك كَلِّهِ وَلَا حَدَّ عَلَى مَنْ تَزَوَّجَ أُمَّهُ أَلْتِي وَلَدَتْهُ وَأَبْنَتْهُ وَأُخْتَهُ وَجَدَّتَهُ  
وَعَمَّتَهُ وَخَالَتَهُ وَبِنْتُ أُخِيهِ وَبِنْتُ أُخِيهِ عَالِمًا بِقَرَابَتَيْهِ مِنْهُ عَالِمًا بِتَحْرِيمَيْهِ عَلَيْهِ وَوَطْئَيْهِمْ كُلَّهُمْ فَالْوَلَدُ لَا  
حَقَّ بِهِ وَالْمَهْرُ وَاجِبٌ»

ابوحنیفه گفته است که اگر کسی با مادر خود که او را به دنیا آورده ازدواج کند حدی بر او نیست. و  
همچنین اگر با محارم خود مثل خواهر و خاله و مادر بزرگ و عمه و دختر برادر و دختر خواهر، که یقین  
دارد ازدواج با ایشان حرام است ازدواج کند، حدی بر او نیست. در این میان اگر فرزندی هم متولد  
بشود به پدرش لاحق است. و مهریه نیز بر او واجب است که بپردازد.

المحلى، اسم المؤلف: على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة -  
بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربى، ج ١١، ص ٢٥٣، ح ٢٢١٥

آیا صحیح است که طبق این روایت ما بگوییم شما با والده مکرمه ازدواج کردید و مهریه ایشان را هم غصب  
کردید، اگر خلاف این است ثابت کنید؟! یک چیزی بگویید که مرغ پخته به حرف شما نخندد!!  
اصلاً من احساس می‌کنم این افراد فکر و عقل و هوششان را از دست دادند. این افراد یک حرفهایی می‌زنند  
که من نمی‌دانم برای خودشان احترام قائل نیستند یا برای بینندگانشان احترام قائل نیستند؛ گاهی اوقات  
انسان معطل می‌ماند که چکار کند.

**(إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ)**

خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند.

سوره رعد (١٣): آیه ٢٧



خداوند این افراد را به واسطه پول‌های حرامی که می‌خورند و راه باطلی که می‌روند، گمراه کرده است؛ اما ما این افراد را دوستانه نصیحت می‌کنیم که دست از بیراهه رفتن بردارید، دست از تحریکات نادرست بردارید، دست از افتراها بردارید.

به خدا سوگند روزی از کارهای خود پشیمان خواهید شد، اما آن روز دیگر پشیمانی فایده‌ای به حال شما نخواهد داشت. زمانی که چشمتان به ملک الموت بیفتد التماس می‌کنید:

**(رَبِّ اِزْجِعْنِی لَعَلِّیْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِیْمَا تَرَكْتُ)**

مرا به دنیا بازگردان تا شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم.

سوره مؤمنون (۲۳): آیه ۹۹ و ۱۰۰

آن زمان از خداوند می‌خواهید و می‌گویید: من را به دنیا برگردان تا دیگر به دنبال استاد شیطان «ابن تیمیه» نروم و افترا نبندم و مردم را تحریک به آدم‌کشی نمی‌کنم؛ اما دیگر فایده‌ای به حال شما نخواهد داشت.

بیاید روی کارهایی که می‌کنید، مقداری فکر کنید زیرا والله پشیمان خواهید شد. قسم به تمام مقدسات دینی و مذهبی روزی از کارهای خود پشیمان خواهید شد، اما آن روز دیگر پشیمانی هیچ سودی به حال شما نخواهد شد.

ما استدلال‌های زیادی از کتب شما آوردیم مبنی بر اینکه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: من امام و خلیفه پیغمبر اکرم هستم!

ما مطالبی از کتب اهل سنت آوردیم مبنی بر اینکه پیغمبر به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «أَنْتَ

خَلِیْفَتِی فِی کُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِی» و: «أَنْتَ اِمَامُ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٌ» و: «هَذَا اِخِی وَوَصِی وَخَلِیْفَتِی فِیْکُمْ»

به چه عبارتی بیان کنند؟! اصلاً بر فرض تمام روایات ضعیف باشد و تمام راویان آن فساق باشد. طبق فتوای خداوند شما «ابن تیمیه» که می‌گوید:

«فَإِنَّ تَعَدُّ الطَّرِيقِ وَكَثْرَتَهَا يَقْوَىٰ بِعِضِّهَا بَعْضًا حَتَّىٰ قَدْ يَحْضُلُ الْعِلْمُ بِهَا وَلَوْ كَانَ النَّاقِلُونَ فُجَّارًا فَسَاقًا»

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني (المتوفى: ٧٢٨ هـ)،  
المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية،  
المملكة العربية السعودية، عام النشر: ١٤١٦ هـ/١٩٩٥ م، ج ١٨، ص ٢٦

بر فرض تمام راویان این روایات فساق و فجار هم باشند، آیا کثرت روایات صحت آن را اثبات نمی‌کند؟! من عذر می‌خواهم از اینکه مقداری طول کشید. گاهی مواقع انسان متأثر می‌شود؛ زمانی که خداوند متعال به فرعون با آن همه نافرمانی می‌فرماید:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ)

و با او به نرمی سخن بگوئید، شاید اندرز گیرد یا بترسد.

سوره طه (٢٠): آیه ٤٤

ما هم نسبت به این افراد همین امید را داریم؛ امیدواریم خداوند متعال عبارتی که در زمان توبه فرعون به کار برد در مورد ایشان به کار نبرد. خداوند عالم فرمودند:

(الآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ)

(خطاب رسید) حالا ایمان آوردی؟! در حالی که قبلاً نافرمانی کردی و از مفسدان بودی؟

سوره یونس (١٠): آیه ٩١

ما در مورد این افراد آرزو داریم که همانند فرعون گرفتار نشوند راه مستقیم را بیابد و گرفتار آتش جهنم نشود.

### استدلال امیرالمؤمنین به مسئله خمس بر ولایت و امامت خویش!

در رابطه با آیه خمس در جلسه گذشته هم عرض کردیم که خداوند عالم در سوره انفال آیه ۴۱ می‌فرماید:

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

و بدانید آنچه را که سود می‌برید برای خدا است پنج یک آن و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان، اگر به خدا و آنچه را که در روز فرقان روزی که دو گروه یکدیگر را ملاقات کردند بر بنده‌مان نازل کردیم ایمان آورده‌اید، و خداوند بر هر چیز توانا است.

#### سوره انفال (۸): آیه ۴۱

عرض خواهیم کرد مراد از «غنیمت»، غنایم جنگی است یا تمام فایده و ربح را غنیمت به حساب می‌آورند. در این آیه به صراحت بیان شده است که خمس غنیمت متعلق به خداوند متعال و رسول گرامی اسلام و ذی القربی است.

خداوند عالم به جهت اینکه ارزش و جایگاه خمس را بالا ببرد، برخلاف زکات که از آن به چرک مال تعبیر می‌کنند؛ می‌فرماید: اولاً خمس «حق الله» دارد، دوماً «حق الرسول» دارد، سوماً حق «ذوی القربی» را دارد، سپس یتیمان و مساکین را نام می‌برند و می‌فرمایند:

(إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ)

خداوند متعال در این آیه به صراحت بیان می‌فرمایند که اگر ایمان آورده‌اید، باید خمس مالتان را پرداخت کنید. ما در جلسات گذشته بیان کردیم که یکی از مواردی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در شورای ۶ نفره به آن استدلال فرمودند، استحقاق خودشان بر خمس است.

این در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» اثر «ابن مردویه» حدیث ۱۶۲ صفحه ۱۳۲ وارد شده است. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

**«أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَمْنَكُمْ مَنْ نَصَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ لِلْوَلَايَةِ غَيْرِي؟»**

تا جایی که می‌فرمایند:

**«أَفِيكُمْ أَحَدٌ كَانَ يَأْخُذُ الْخُمْسَ غَيْرِي وَغَيْرَ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ؟»**

شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا غیر از من و زهرا کسی خمس دریافت کرده است؟!

**«قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا»**

گفتند: به خدا نه.

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)؛ أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، تحقیق:

عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، ص ۱۳۲، ح ۱۶۲

ما سند روایت را بررسی کردیم؛ همچنین جناب آقای «سیوطی» در کتاب «جامع الأحادیث» مفصل همین بحث را در صفحه ۵۵ مطرح می‌کنند و می‌نویسد:

**«أَفِيكُمْ أَحَدٌ كَانَ يَأْخُذُ الْخُمْسَ غَيْرِي وَغَيْرَ فَاطِمَةَ؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا»**

جامع الاحادیث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن

السيوطي، ج ١٢، ص ٥٥، ح ٣٠

همچنین جناب آقای «ابن عساکر» در «تاریخ دمشق» جلد ٤٢ به طور مفصل این قضیه را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«أفیکم أحد کان يأخذ الخمس غیری و غیر فاطمة؟ قالوا: اللهم لا»

الکتاب: تاریخ دمشق، المؤلف: ابن عساکر، عدد الأجزاء: ٧٠، [ترقیم الکتاب موافق للمطبوع والکتاب مذیل

بحواشی المحقق علی شیری]، ج ٤٢، ص ٤٣٥، ح ٤٩٣٣

ما در جلسه گذشته این موارد را مطرح کردیم. همچنین این روایت را از کتاب «صحیح مسلم» هم نقل کردیم که از «ابن عباس» نقل شده است:

«وَكَيْبَتْ تَسْأَلُنِي عَنِ الْخُمْسِ لِمَنْ هُوَ»

می‌گویند: نوشتید این خمس به چه کسی تعلق دارد!

«وَإِنَّا كُنَّا نَقُولُ»

ما بنی هاشم همواره این مطلب را می‌گوییم.

«هُوَ لَنَا فَأَبَى عَلَيْنَا قَوْمُنَا ذَاكَ»

خمس مال ماست اما قریش جلوگیری کردند و حق ما را ندادند.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٤٤٤، ح ١٨١٢

در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» همین تعبیر آمده است. در این کتاب وارد شده است:

«وَأَنَا كُنَّا نَرَى قَرَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ هُمْ فَأَبَى ذَلِكَ عَلَيْنَا قَوْمًا»

خمس به رسول الله و نزدیکان ایشان تعلق دارد اما قوم ما ابا کردند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر،

ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۲۲۳۵

ما این روایات را از کتب مختلف بیان کردیم. همچنین روایتی از کتاب «صحيح بخارى» نقل کردیم که صديقه

طاهره فاطمه زهرا (سلام الله عليها) افرادی را نزد خلیفه اول می فرستند و می فرمایند:

«مما أفاء الله على رسوله تُطْلَبُ صَدَقَةُ النَّبِيِّ آتِي بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَمَا بَقِيَ مِنْ حُمْسِ خَيْبَرَ»

صدقات پیغمبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) در مدینه را مطالبه کردند، فدک را مطالبه کردند و

همچنین بقیه خمس جنگ خیبر را مطالبه فرمودند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،

اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۳، ص ۱۳۶۰، ح ۳۵۰۸

صديقه طاهره که پاره تن نبی مکرم و سرور زنان اهل بهشت هستند، می فرمایند: خمس حق مسلم ما اهلبيت

است. همچنین روایتی از کتاب «تاريخ الاسلام» اثر «ذهبي» بیان کردیم که در جلد سوم صفحه ۲۴ حضرت

صديقه طاهره خودشان برای دریافت خمس آمدند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) آیه ۴۱ سوره انفال را خواندند و فرمودند: این اموال حق مسلم من است.

متأسفانه خلیفه اول قبول نکرد، حضرت نزد خلیفه دوم آمدند و مشاهده کردند که خلیفه دوم هم همانند کلمات

خلیفه اول را تکرار می کنند.

صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تعجب کردند و بر این باور شدند که این دو نفر با هم تبانی کردند و یک حرف درست کرده‌اند. همان حرفی را که ابوبکر به حضرت زهرا (سلام الله علیها) زد، عمر همان را تکرار کردند.

این مطلب را ذهبی در کتاب خود آورده است؛ ببینید از اول تا آخر هیچ تعلیق‌های ندارد. معمولاً زمانی که آقای ذهبی به روایتی می‌رسد اگر اشکال سندی و دلالی داشته باشد بیان می‌کند و اگر اشکال هم نداشته باشد، می‌گوید: "یشهد القلب أنه الباطل".

ولی در اینجا دیگر هیچ مطلبی بیان نکرده است. نه قلبش بر بطلان این روایت شهادت داده و نه اشکال سندی و دلالی بیان کرده است. بینندگان عزیز در این زمینه باید خودشان داوری و قضاوت کنند. من در خدمت شما هستم.

### مجری:

خواهش می‌کنم. استاد قبل از اینکه سراغ سؤال بعدی بروم، می‌خواهم نکته‌ای بفرمایید به جهت اینکه برخی از عزیزان شیعه هم گاهی این مطلب را مطرح می‌کنند و می‌گویند: با این روایتی که شما فرمودید بحث خمس مربوط به زمان پیغمبر اکرم بوده است.

بعضی افراد نسبت به خمس مقداری کوتاهی می‌کنند. از این دست روایات در منابع ما هم فراوان دیده می‌شود.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در کتب شیعه که الی ماشاءالله است، یعنی شاید بیش صد روایت از نبی مکرم اسلام، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) تا امام عسکری (علیه السلام) داریم.

ان شاء الله زمانی که من روایات شیعه را آوردم زیرا آقایان وهابی می‌گویند: خمس را آقایان مراجع درست کردند. ائمه طاهرین و نبی مکرم اسلام بحث خمس را مطرح کردند، اما این آقایان می‌گویند: "امیرالمؤمنین خمس دریافت کردند یانه؟!"

ما روایاتی از کتب شیعه و سنی خواهیم آورد که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: خمس مال خودتان را به من بدهید.

ان شاء الله زمانی که بحث اهل سنت را تمام کردیم، روایاتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خواهیم آورد که حضرت به شخصی می‌فرمایند: خمس مال خودت را به من بده!

از امام باقر (علیه السلام) چندین روایت داریم، از امام صادق (علیه السلام) چندین روایت داریم، احکام خمس ارباح مکاسب، خمس معدن، خمس طلا و مواردی از این قبیل وارد شده است.

امام جواد (علیه السلام) می‌فرمایند: اگر به من دسترسی ندارید، خمس مال خودتان را به وکیل من پرداخت کنید.

شیطانی دجالی که در لس آنجلس فعالیت می‌کند، می‌گوید: دلیل چیست؟! یکی از این دجال‌ها در لندن شیطنت می‌کند، یکی در لس آنجلس است و دیگری هم در کشورهای عربی سایتی را درست کردند و شبانه روز به علما و مراجع عظام فحاشی می‌کنند.

این مثلث شوم به نام شیعه دارند آبروی شیعه را می‌برند، به مراجع شیعه هتاک می‌کنند و مقدسات شیعه را به حراج گذاشتند. زمانی که انسان به صحبت‌های این افراد نگاه می‌کند، می‌بیند الفبای معرفت معارف دینی را ندارند.



این افراد جز هتاک و فحاشی و نسبت‌های زشت به یکدیگر چیز دیگری برای گفتن ندارد. عجیب است؛ این هتاک افغانی به هرکسی می‌رسد نسبت فحشا می‌کند!!

نمی‌دانم این شخص به آینه نگاه می‌کند چه چیزی در آن می‌بیند که دیگران را با همان کیل خودش مقایسه می‌کند و قیاس به نفس می‌کند.

**مجری:**

استاد خیلی متشکرم، من این مطلب را گفتم تا اشاره‌ای داشته باشم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

حال که ما وارد شدیم سعی می‌کنم این مطلب را به طور مفصل بیان کنم. با توجه سؤال حضرتعالی زمانی که وارد شدیم تمام روایات شیعه را با سند صحیح به صورت مستفیض و متواتر خواهیم آورد.

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌فرماید: "خمس مرا بدهید!"، ایشان عیناً کلمه خمس را به کار برده‌اند. ما ثابت خواهیم کرد که ادعای آقایان مبنی بر اینکه: "خمس تنها در غنایم جنگی است"، صحیح نیست!!

انشاءالله اگر فرصتی داشته باشیم کاری می‌کنیم که این آقایان در شبکه‌های شیاطین بروند و سؤال کنند که این موارد خمسی که فقها و بزرگان اهل سنت فتوا داده‌اند، تنها در غنایم جنگی بوده است یا در غیر غنایم جنگی هم بوده است.

**مجری:**

انشاءالله همین‌جا در ذهنم می‌ماند که اگر فرصت شد حتماً بپرسم. استاد در آیه ۴۱ سوره انفال که شما فرمودید کلمه «ذوی القربی» آمده است.

همچنین در آیه مودت که همان سوره مبارکه شوره آیه ۲۳ است، کلمه «ذی القربی» آمده است. مراد از کلمه «ذی القربی» چه کسانی هستند؟!

مراد از «ذوی القربی» چه کسانی هستند؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با «ذوی القربی» که در این آیه شریفه (فَأَنْ لِلَّهِ حُمُسُهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى) وارد شده است یا همچنین در آیه مودت هم وارد شده است:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به اقرباء.

سوره شوری (۴۳): آیه ۲۳

مراد از (قُرْبَى) چه کسانی هستند؟! ما قبلاً هم اشاره داشتیم. عزیزان به کتاب «فضائل الصحابه» که اثر «احمد بن حنبل» متوفای ۲۴۱ است مراجعه کنند. در جلد دوم این کتاب از «سعید بن جبیر» و ایشان از «ابن عباس» روایتی نقل شده است که می‌گوید:

«لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

زمانی که آیه: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) نازل شد،

«قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ قَرَابَتُكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ»

گفتند: یا رسول الله در قرابتی که در اینجا آورده است، مراد از قربی چه کسانی هستند که مودت این افراد واجب است؟!

شبکه‌های شیطانی که به صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اهانت می‌کنند و حیا هم ندارند، در حقیقت یا این آیه را قبول دارند یا قبول ندارند! اگر آیه را قبول ندارند، قطعاً مرتد و کافر و نجس هستند؛ اما اگر این آیه شریفه را قبول دارند، در برابر خداوند متعال عصیان می‌کنند.

### «قال علی وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا»

رسول گرامی اسلام فرمودند: مراد از قرابت علی و فاطمه و فرزندان این دو بزرگواران هستند.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ -  
۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۲، ص ۶۶۹، ح ۱۱۴۱

در کتاب «معجم کبیر» اثر «طبرانی» جلد سوم باز هم این روایت بیان شده است:

«لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ قَرَابَتُكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ  
وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ قَالَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل  
- ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، ج ۳، ص ۴۷، ح ۲۶۴۱

در این روایت نیز به صراحت بیان شده است که مراد از (الْقُرْبَى) علی و فاطمه و فرزندان این دو بزرگوار هستند.

در کتاب «تفسیر بحر المحيط» اثر «ابو حیان آندلسی» در جلد هفتم صفحه ۴۹۴ باز هم حضرت می‌فرماید: مراد از قرابت یا (ذی الْقُرْبَى) علی و فاطمه و فرزندان آن دو بزرگوار هستند؛ این روایت از قول «ابن عباس» نقل شده است.

همچنین آقای «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد هفتم صفحه ۱۰۳ همین روایت را مطرح می‌کند که مراد از **(الْقُرْبَى)** علی و فاطمه و فرزندان آن بزرگواران هستند، سپس می‌گوید:

«وقد وثقوا كلهم وضعفهم جماعة وبقية رجاله ثقات»

راویان این روایت همه توثیق شدند، گرچه جماعتی هم آنان را تضعیف کرده است و بقیه رجال هم ثقه هستند.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۰۳، باب سورة حمعسق

برمبنای آقایان اهل سنت اگر یک راوی هم توثیق داشته باشد و هم تضعیف داشته باشد، روایت حسن است؛ روایت حسن هم «کالصحيح فی الاحتجاج» است.

در کتاب تفسیر «غرائب القرآن» هم به همین شکل آمده است که سؤال می‌کنند:

**«يا رسول الله من هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم لقرابتك؟ فقال: علي وفاطمة وابناهما»**

تفسیر غرائب القرآن ورغائب الفرقان، اسم المؤلف: نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمی النيسابوری، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشيخ زکریا عمیران، ج ۶، ص ۷۴، باب الشوری: (۱ - ۲۳) حم

این روایات به طور مفصل در کتب اهل سنت وارد شده است که مراد از **(ذی الْقُرْبَى)** چه در آیه ۴۱ سوره مبارکه انفال و چه در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و دو فرزند مبارکشان است.

مجری:

خیلی عالی، ممنون از لطف شما. ما داریم پیام‌های شما دوستان خوب بیننده را در برنامه زنده «حبل المتین» از «شبکه جهانی ولایت» دریافت می‌کنیم. ان شاءالله در یک فرصتی حتماً به برخی از پیام‌های شما اشاره دارم.

دوستان دائماً زحمت می‌کشند و راه‌های ارتباطی از طریق پیام کوتاه و فضای مجازی را برای شما زیرنویس می‌کنند. خودتان را آماده کنید، ان شاءالله ما سعی می‌کنیم حدود ۱۵ دقیقه دیگر ارتباط تلفنی با شما عزیزان برقرار کنیم و صدایتان را بشنویم.

استاد آیا وجود نازنین اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به آیه مودت استناد کردند یا خیر؟!

**ذکر روایاتی مبنی بر استناد ائمه طاهرين (علیهم السلام) به آیه مودت!**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در این زمینه روایات زیادی از نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ائمه طاهرين (علیهم السلام) داریم که در کتب شیعه فراوان یافت می‌شود.

به جهت اینکه فرصت زیاد نداریم و باید به سؤالات بعدی هم برسیم، تنها به یکی دو مورد از کتب اهل سنت اکتفا می‌کنم.

در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد نهم صفحه ۱۴۶ روایتی وارد شده است که از «ابوظفیل عامر بن وائله» است. او می‌گوید: امام مجتبی (علیه السلام) بعد از شهادت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خطبه‌ای خواندند و فرمودند:

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خاتم اوصیاء بودند و وصی انبیاء بود و امین صدیقین و شهدا بودند، تا جایی که می‌فرماید:

**«وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَوَدَّتَهُمْ وَوَلَايَتَهُمْ»**

من از اهل بی‌تی هستم که خداوند عالم مودت و ولایت آنان را واجب کرده است،

**«فقال فيما أنزل على محمد (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى)»**

سپس امام حسن (علیه السلام) آیه: (قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى) را قرائت فرمودند.

سپس «هیثمی» می‌گوید:

**«وإسناد أحمد وبعض طرق البزار والطبرانی في الكبير حسان»**

سند احمد و بعض طرق بزار و طبرانی در کبیر حسن و مورد اعتماد است.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب

العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۴۶، باب خطبة الحسن بن علی رضی الله عنهما

همچنین آقای «ابن حجر هیثمی» متوفای ۹۹۴ هجری در کتاب «الصواعق المحرقة» صفحه ۴۳۷ آیه (قُلْ لا

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) را می‌آورد، سپس از امام حسن مجتبی (علیه السلام) همین تعبیر را

نقل می‌کند.

**«أى عن ولاية على وأهل البيت لأن الله أمر نبيه أن يعرف الخلق أنه لا يسألهم على تبليغ الرسالة أجرا إلا**

**المودة في القربى»**

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر

الهیثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد

الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۴۳۷

همچنین امام سجاد در کتاب «تفسیر طبری» که به تعبیر آقای «ابن تیمیه» تفسیر «طبری» و تفسیر «ابن ابی

حاتم» از تفاسیری است که:

« يعتمد عليها في التفسير »

در احادیث می شود به این کتب تفسیری اعتماد کرد.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ١٧٩

در این کتاب که به تحقیق «دکتر ترکی» گردآوری شده است، در جلد نهم داستانی نقل می کند که زمانی که اسرای اهل بیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را وارد شام می کنند، بعضی افراد شروع به شماتت می کنند.

امام سجاد (علیه السلام) به آن فرد می فرمایند: آیا قرآن خوانده ای؟! می گوید: بله. حضرت می فرماید: آیا (حم) را خوانده ای؟! او می گوید: بله. حضرت می فرمایند: آیا آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) را خواندی؟!

او می گوید: آیا شما همین قربی پیغمبر اکرم هستید که در این آیه آمده است؟! حضرت فرمودند: بله ما هستیم! این روایت داستان مفصلی دارد که او گریه کرد و شروع به عذرخواهی کرد.

این روایت در کتاب «تفسیر» اثر «ابن کثیر دمشقی» جلد دوازدهم وارد شده است. نه محققین حاشیه زده اند و نه «ابن کثیر» حاشیه زده است! در این کتاب وارد شده است که مردی از اهل شام شروع به شماتت اهل بیت (علیهم السلام) کرد و گفت:

الحمد لله خداوند شما را کشت و فتنه خوابید. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: آیا قرآن خواندی؟! آیا آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) را خوانده ای؟! مرد شامی گفت: مگر مراد از (الْقُرْبَى) شما هستید؟! حضرت فرمودند: بله؛ مراد از قربی ما هستیم.

من این مورد را به عنوان نمونه آوردم، اما از این موارد فراوان داریم. اگر زمانی فرصت باشد در مورد این موضوع که ائمه طاهرین (علیهم السلام) بیان کردند که مراد از (ذَوِي الْقُرْبَى) ما هستیم، مطالبی بیان خواهیم کرد. من گمان نمی‌کنم کسی از اهل سنت نسبت به اینکه اهلیت (علیهم السلام) جزو (ذَوِي الْقُرْبَى) هستند، شبهه‌ای داشته باشد. شاید بعضی از افراد دیگران را وارد کنند، اما اهلیت (علیهم السلام) قطعاً در اینجا هستند.

### مجری:

استاد در فرمایشات قبلی اشاره‌ای فرمودید و من یادداشت کردم اینجا پیرسم و آن هم این است که وهابیون و برخی از اهل سنت می‌گویند: "سوره مبارکه انفال آیه ۴۱ تنها شامل غنایم جنگی می‌شود" و ادعای ما شیعیان را اشتباه خطاب می‌کنند؛ توضیحاتی بفرمایید.

### آیا «خمس»، فقط مخصوص غنائم جنگی است؟!

#### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ظاهراً در این ده دقیقه‌ای که فرصت داریم این مطلب را بیان خواهم کرد. عزیزان شیعه مخصوصاً کسانی که در فضای مجازی یا سایبری با وهابیت یا عزیزان اهل سنت بحث‌های علمی دارند، تقاضا دارم به این بخش از عرایض من خوب دقت کنند.

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ اَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ)

و بدانید آنچه را که سود می‌برید،



الف) بررسی واژه «غنیمت» در کتاب‌های لغوی:

مراد از (عَنِمْتُمْ) چیست؟! ما برویم ببینیم در کتاب لغت، تفاسیر و قرآن کریم (عَنِمْتُمْ) به چه معناست!

در کتاب «العین» اثر آقای «فراهیدی» متوفای ۱۷۵ وارد شده است که ایشان قدیمی‌ترین لغت شناس عرب و از اهل سنت است. ایشان در جلد چهارم می‌نویسد:

«وَالْعُنْمُ: الْفَوْزُ بِالشَّيْءِ فِي غيرِ مَشَقَّةٍ»

وَالْعُنْمُ: رسیدن به چیزی بدون مشقت است.

در اینجا وارد نشده است که غنیمت تنها غنایم جنگی است. غنایم جنگی هم یکی از این موارد است. ذیل این روایت هم عبارت:

«وَالْعَنِيمَةُ: الْفَيْءُ»

وارد شده است.

کتاب العین، المؤلف: أبو عبد الرحمن الخلیل بن أحمد بن عمرو بن تمیم الفراهیدی البصری (المتوفی: ۱۷۰ هـ)،

المحقق: د مهدی المخزومی، د إبراهيم السامرائی، الناشر: دار ومکتبة الهلال، ج ۴، ص ۴۲۶، باب الغین والنون

والمیم

همچنین در کتاب «غریب الحدیث» اثر آقای «ابن قتیبه دینوری» وارد شده است:

«وَأَصْلُ الْغَنِيمَةِ وَالْعُنْمُ فِي اللُّغَةِ الرَّيْحُ وَالْفَضْلُ»

اصل غنیمت و عنم در لغت به معنای سود است.

غریب الحدیث، المؤلف: عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري أبو محمد، الناشر: مطبعة العاني - بغداد، الطبعة

الأولى، ١٣٩٧، تحقيق: د. عبد الله الجبوري، ج ١، ص ٢٢٩

از این بهتر بیان کنند؟! در اینجا غنیمت به معنای سود بیان شده است؛ فرقی هم نمی‌کند که سود در جنگ به دست بیاید، در زراعت به دست بیاید، در آبیاری به دست بیاید، در کسب به دست بیاید، در ارث به دست بیاید یا در هبه به دست بیاید.

آقایانی که می‌گویند: "غنیمت به معنای غنایم جنگی است" این مطلب را از کجا آورده‌اند که آن را به غنایم جنگی منحصر می‌کنند؟!

همچنین «فیروزآبادی» در کتاب «قاموس المحيط» جلد ٤ صفحه ١٥٨ این مطلب را بیان کرده است، «لسان العرب» جلد ١٢ صفحه ٤٤٥ همین مطلب را بیان کرده است و آقای «طریحی» از لغت‌شناسان مشهور شیعه است که در کتاب «مجمع البحرين» جلد ٦ می‌گوید:

«الْغَنِيمَةُ فِي الْأَصْلِ هِيَ الْفَائِدَةُ الْمَكْتَسِبَةُ»

غنیمت در اصل فایده‌ای که انسان کسب می‌کند.

فایده کسب و کار در اصطلاح امروز همان تجارت و کاسبی است.

«و لكن اصطلاح جماعة على أن ما أخذ من الكفار»

ولی جماعتی آمدند و گفتند اصطلاح در اخذ غنایم از کفار شده است.

مجمع البحرين، نویسنده: طریحی، فخر الدین بن محمد، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد، ج ٦، ص

١٢٩، باب (غمم)

(ب) بررسی واژه «غنیمت» در کتاب‌های تفسیری:

این معنا در کتاب‌های تفسیری هم بیان شده است. در کتاب «المحرر الوجیز» اثر آقای «ابوحیان أندلسی» است که در جلد دوم صفحه ۵۲۸ ذیل همین آیه وارد شده است:

«والغنیمة فی اللغة ما یناله الرجل أو الجماعة بسعی من ذلك»

غنیمت مالی است که با تلاش به دست مرد یا گروهی می‌آید.

المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - لبنان - ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد، ج ۲، ص ۵۲۸، باب الأنفال: (۴۱) واعلموا أنما غنمتم... ..

در اینجا بیان نشده است که غنیمت تنها اختصاص به غنایم جنگی دارد!! شخصی که زراعت می‌کند تلاش می‌کند، شخصی که سقایت می‌کند تلاش می‌کند، شخصی که کاسبی می‌کند هم تلاش می‌کند.

همچنین «فخر رازی» در کتاب «تفسیر کبیر» جلد ۱۵ صفحه ۱۳۲ باب بیان کرده است:

«المسألة الأولى: الغنم: الفوز بالشیء»

او در ادامه می‌گوید در شریعت به این صورت بیان شده است:

«دخلت فی أیدی المسلمین من أموال المشرکین»

التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۱۵، ص ۱۳۲، باب الأنفال: (۴۱) واعلموا أنما غنمتم... ..

همچنین در کتاب «تفسیر قرطبی» جلد دهم تعبیری که دیگران نسبت به غنیمت داشتند، در اینجا هم بیان شده است. او می‌نویسد:

«الغنيمة في اللغة ما يناله الرجل أو الجماعة بسعى ومن ذلك»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ٨، ص ١، (الأنفال: ) ٤١ (واعلموا أنما غنتمم... ..)

همچنین در «تفسیر بحر المحيط» هم جلد چهارم همین تعبیر آمده است:

«والغنيمة عرفاً ما يناله المسلمون من العدو بسعى»

سپس می گوید:

«وأصله الفوز بالشيء»

اصل غنیمت رسیدن به چیزی است.

تفسیر البحر المحيط، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ علي محمد معوض، ج ٤، ص ٤٩٢

بنابراین در کتب لغوی بیان شده است که ریشه غنیمت عبارت از سودی است که انسان با تلاش به دست می آورد. همچنین آقای «آلوسی» همان تعبیری که «عینی» و دیگران داشتند در کتاب «روح المعانی» جلد ١٠ بیان می کند و می گوید:

«وغنم في الأصل من الغنم بمعنى الربح»

غنیمت در ریشه و لغت به معنای سود است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۰، ص ۲، باب الأنفال: (۴۱) واعلموا أنما غنمتم... ..

همچنین در کتاب «تفسیر المنار» جلد دهم صفحه ۴ وارد شده است:

«فَالْمُتَبَادِرُ مِنَ الْإِسْتِعْمَالِ»

متبادر از استعمال غنیمت عبارت از این است که:

«أَنَّ الْغَنِيمَةَ وَالْعُنْمَ: مَا يَنَالُهُ الْإِنْسَانُ، وَيُظْفَرُ بِهِ مِنْ غَيْرِ مُقَابِلِ مَادَى يَبْدُلُهُ فِي سَبِيلِهِ (كَالْمَالِ فِي التَّجَارَةِ مَثَلًا)»

غنیمت عبارت از این است که انسان چیزی به دست می‌آورد بدون آنکه چیزی در برابر آن داده باشد، همانند مال التجاره.

تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، المؤلف: محمد رشید بن علی رضا (المتوفی: ۱۳۵۴ هـ)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: ۱۹۹۰ م، ج ۱۰، ص ۴، باب ۴۱

همچنین جناب آقای «طنطاوی» که در حقیقت شیخ «الأزهر» بوده است، در تفسیر سوره انفال می‌گوید:

«غنمتم من الغنم بمعنى الفوز و الربح»

غنیمت به معنای رسیدن به چیزی و سود است.

التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، المؤلف: محمد سید طنطاوی، الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة - القاهرة، الطبعة: الأولى؛ ج ۶، ص ۹۹

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا  
تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ

ای کسانی که ایمان آوردید چون در راه خدا سفر می‌کنید و به افراد ناشناس بر می‌خورید درباره آنان تحقیق کنید- و به کسی که سلام به شما می‌کند نگوئید مؤمن نیستی- تا به منظور گرفتن اموالش او را به قتل برسانید و بدانید که نزد خدا غنیمت‌های بسیار هست،

سوره نساء (۴): آیه ۹۴

اگر در اینجا مراد از غنیمت، غنایم جنگی بود معنای این روایت این بود که بروید با خدا بجنگید؟! معنای کلمه غنیمت را از منظر لغت و قرآن کریم بیان کردیم، به شریعت هم خواهیم رسید.

همچنین در کتاب «صحیح بخاری» حدیث ۴۳۱۵ وارد شده است که «ابن عباس» می‌گوید:

«كَانَ رَجُلٌ فِي غَنِيمَةٍ لَهُ فَلَحِقَهُ الْمُسْلِمُونَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَتَلُوهُ وَأَخَذُوا غَنِيمَتَهُ»

در یکی از جنگ‌ها به دشمنی رسیدند که اموالی داشت، او را کشتند و اموال او را گرفتند و خداوند عالم این آیه را فرستاد که شما به خاطر اینکه اموال او را بگیریید او را کشتید.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر،

الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۴، ص ۱۶۷۷، ح ۴۳۱۵

مذمت شدید کشتار مسلمین در لسان پیغمبر اکرم!

در «تفسیر ابن ابی حاتم» در اینجا ذیل همین آیه مطالبی را به صورت مفصل مطرح می‌کند. عزیزان به این روایت خوب دقت کنند. افرادی که شیاطینی که در سوریه و عراق و یمن مسلمانان را می‌کشند و اموال مسلمانان از جمله نفت را تصرف می‌کنند به این روایت دقت کنند.

«ان اناسا من اصحاب رسول الله ذهبوا يتطرقون»

تعدادی از اصحاب پیغمبر اکرم برای تبلیغ یا جهاد رفتند.

آن‌ها مردانی از دشمن را یافتند و به آنان حمله کردند و آنها را کشتند. در این میان به مردی رسیدند و آن مرد گفت:

«انی مسلم انی مسلم»

من مسلمانم، من مسلمانم.

همان‌طور که کلیپ‌هایی که امروزه از کشتار مردم توسط داعش پخش شده است مشاهده می‌کنیم که زمانی که داعشی‌ها می‌خواهند شخصی را بکشند، او می‌گوید: والله من مسلمانم، والله من سنی هستم؛ اما با تمام این حال او را به رگبار می‌بندند.

«فاوجزه بالسنان فقتله»

اموال آن شخص را گرفتند و او را با شمشیر کشتند.

زمانی که این خبر به رسول گرامی اسلام رسید، ایشان به آن مرد قاتل گفتند:

«اقتلته بعد ما قال انی مسلم؟»

بعد از اینکه گفت من مسلمانم او را کشتی؟

«قال: یا رسول الله: قالها متعوذا»

گفت: یا رسول الله او به جهت اینکه از شمشیر ترسید گفت من مسلمانم.

«قال: شققت قلبه؟»

حضرت فرمودند: قلب او را شکافتی تا ببینی از صمیم قلب می‌گوید یا لقلقه زبان است؟

«قال: لم يا رسول الله؟»

گفت: یا رسول الله من برای چه قلب او را بشکافم؟

«قال: لتعلم اصادقا هو أو كاذبا»

حضرت فرمودند: قلب او را می‌شکافتی تا ببینی واقعاً راست می‌گوید که مسلمان است یا دروغ می‌گوید!

«قال: وكنت عالما ذلك يا رسول الله»

مرد گفت: من یقین داشتم که این شخص از یقین نمی‌گوید من مسلمانم، بلکه به ظاهر می‌گوید مسلمان است.

راوی می‌گوید:

«فما لبث القاتل ان مات فحفر له اصحابه فاصبح وقد وضعته الأرض»

این شخصی که مسلمانی را بیگناه کشته بود از دنیا رفت و او را در مکانی دفن کردند و زمین جنازه او را بیرون پرت کرد،

«ثم عادوا فحفروا له فاصبح وقد وضعته الأرض إلى جنب قبره»

او را دومرتبه در جای دیگری دفن کردند و دومرتبه زمین جنازه او را به بیرون پرت کرد.



«لا تقبله الأرض»

او را چندین مرتبه دفن کردند اما زمین جنازه او را قبول نمی‌کرد.

«فلما رأينا الأرض لا تقبله اخذنا برجله فالقيناه في بعض تلك الشعاب»

نقل شده است زمانی که افراد دیدند زمین جنازه او را قبول نمی‌کند جنازه او را از دره‌ای پرت کردند.

«فانزل الله تعالى: يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا اهل الاسلام إلى آخر الآية»

سپس خداوند متعال این آیه را نازل کردند: (يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا اهل

الاسلام إلى آخر الآية)

جالب این است که «حسن بصری» می‌گوید:

«اما والله ما ذاك الا بكون الأرض تجن من هو شر منه»

زمین خجالت می‌کشد از اینکه قاتل یک شخص بیگناه را در درون خود نگهدارد.

تفسیر القرآن (لابن ابی حاتم)، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن إدريس الرازي، دار النشر: المكتبة

العصرية - صيدا، تحقيق: أسعد محمد الطيب، ج ٣، ص ١٠٣٩، ح ٥٨٢٤

«تفسير ابن ابی حاتم» هم طبق فتوای «ابن تیمیه» از تفاسیری است که:

«يعتمد عليها في التفسير»

در احادیث می‌شود به این کتب تفسیری اعتماد کرد.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة -  
١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ١٧٩، فصل قال الرفض البرهان الحادي و العشرون

سورة هل اتى

این موارد کاملاً مشخص است. «تفسیر ابن کثیر» هم همین تعبیر را دارد، در کتاب «صحیح مسلم» همین  
تعبیر آمده است. در حدیث ١٥٨٨ وارد شده است که رسول گرامی اسلام به این صحابی فرمودند:

بعد از اینکه «لا اله الا الله» گفت او را کشتی؟ شخص گفت: یا رسول الله! به خاطر ترس از شمشیر گفت. رسول  
گرامی اسلام فرمودند:

«أَفَلَا شَقَّقْتُ عَنْ قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَقَالَهَا أَمْ لَا»

چرا قلبش را نشکافتی تا ببینی واقعاً راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید؟

«فَمَا زَالَ يَكْرُرُهَا عَلَيَّ»

دیدم رسول گرامی اسلام دائماً این حرف را تکرار می‌کند.

«حَتَّى تَمَّتْ أَنْ أُسْلِمْتُ يَوْمَئِذٍ قَالَ فَقَالَ سَعْدُ وَأَنَا وَاللَّهِ لَا أَقْتُلُ مُسْلِمًا حَتَّى يَقْتُلَهُ»

این شخص گفت: من آرزو می‌کردم ای کاش کافر بودم و امروز مسلمان می‌شدم و در این جهاد  
شرکت نمی‌کردم و بیگناهی را نمی‌کشتم و نبی گرامی اسلام را اینطور مورد اذیت قرار نمی‌دادم.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٩٦، ح ١٥٨

این موارد نمونه‌هایی است که در ذیل این آیه آمده است. البته در این موارد حرف بسیار زیاد است؛ من تنها به  
جهت اینکه «عندالله مغانم کثیرة» روشن شود، به کتاب «تفسیر طبری» جلد ٥ صفحه ٢٢١ مراجعه می‌کنم.

«فإن عند الله مغنم كثيرة من رزقه وفواضل نعمه»

در نزد خداوند غنیمت‌های زیادی از قبیل روزی‌های او و نعمت‌های فراوان است.

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار النشر: دار

الفکر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۱، باب النساء: (۹۴)

در اینجا منظور از غنایم، روزی‌های فراوان خداوند از قبیل کسب و کار و حقوقی است که استفاده می‌کنیم؛ غنایم جنگی نیست. همچنین آقای «ابن جوزی» در «زاد المسیر» به همین شکل بیان کرده است.

جالب است که آقای «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «تفسیر» جلد اول ذیل عبارت «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغْنَمٌ كَثِيرَةٌ» آورده است:

«فما عند الله من الرزق الحلال خير لكم من مال هذا»

روزی‌های حلالی که خداوند عالم به شما می‌دهد بهتر از کشتن افراد و تصرف اموال آنان است.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت

- ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۴۰، النساء: (۹۴)

بنابراین کلمه «غنیمت» در قرآن کریم به معنای روزی و فایده بیان شده است. کاملاً واضح و روشن است، در کتاب «تفسیر سمرقندی» هم همین تعبیر آمده است. در جلد اول صفحه ۳۵۵ وارد شده است:

«غنائم كثيرة في الدنيا فاطلبوا من حيث أذن لكم وأبيح لكم»

تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، اسم المؤلف: نصر بن محمد بن أحمد أبو الليث السمرقندی، دار النشر:

دار الفکر - بیروت، تحقیق: د. محمود مطرجی، ج ۱، ص ۳۵۵، باب النساء: (۹۴)

بنابراین در جایی که خداوند متعال دستور داده است کسب و کار و زراعت کنید و روزی حلال به دست بیاورید، کلمه غنیمت هم در قرآن کریم مشخص شد.

**مجری:**

بنابراین معنای کلمه غنیمت را در فرهنگ لغت و قرآن کریم فرمودید، روایت را هم اگر بفرمایید ممنونم تا بحث ناقص نماند.

**ج) بررسی واژه «غنیمت» در کتاب‌های حدیثی:**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

من خیلی سریع معنای کلمه غنیمت در روایت را بیان می‌کنم تا این بحث را تمام کنیم. آقایان وهابی ادعا می‌کنند منظور از خمس در آیه شریفه **(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ)** خمس تنها در غنایم جنگی است.

ما از این آقایان سؤال می‌کنیم در کتاب «صحیح بخاری» حدیث داریم که:

**«فِي الْعَنْبِرِ وَاللُّؤْلُؤِ الْخُمْسُ»**

در عنبر و لؤلؤ خمس وجود دارد.

آیا عنبر و لؤلؤ جزو غنایم جنگی است؟! آیا با ماهیان یا آب دریا می‌جنگند و این غنایم را به دست می‌آورند؟!!

**«فَإِنَّمَا جَعَلَ النَّبِيُّ فِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ»**

خداوند در اشیایی که زیر زمین باشد خمس قرار داده است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،  
اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٢، ص ٥٤٤، باب ٦٤ باب ما

### يَسْتَخْرِجُ مِنَ الْبَحْرِ

در این روایت مراد از اشیای زیرزمین فرقی نمی‌کند که معدن طلا باشد، معدن نقره باشد یا معدن‌های دیگر باشد؛ خداوند عالم در معدن خمس قرار داده است. زمانی که می‌خواهید اشیایی را از زمین استخراج کنید، با زمین می‌جنگید و از راه جهاد آنان را به دست می‌آورید؟!

آقایانی که می‌گویند: "تنها خمس در غنایم جنگی است" بفرمایند جواب بدهند که مراد از عنبر، لؤلؤ و رکاز که در این روایت بیان شده است، چیست؟! این روایت در کتاب «صحيح بخارى» است و از «ابن عباس» صحابی پیغمبر اکرم نقل شده است.

همچنین جناب آقای «عینی» متوفای ٨٥٥ در کتاب «شرح صحيح بخارى» جلد ٩ صفحه ١٠٣ می‌نویسد:

«مَسْأَلَةُ الرَّكَازِ، وَفِيهِ وَجُوبُ الْخَمْسِ وَهُوَ إِجْمَاعُ الْعُلَمَاءِ»

علما اتفاق نظر دارند بر اینکه در اشیای زیرزمین خمس وجود دارد

عمدة القارى شرح صحيح البخارى، المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بدر الدين العيني (المتوفى: ٨٥٥ هـ)،

الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج ٩، ص ١٠٣، باب فى الرکاز

حال ما نمی‌دانیم که در زیرزمین با چه کسانی می‌جنگند و این اشیا را به دست می‌آورند؟! جواب این سؤال را به ما بدهند. همچنین در کتاب «صحيح بخارى» حدیث ٨٧ وارد شده است قبيله «عبدقيس» نزد رسول گرامی اسلام می‌آیند و عرض می‌کنند:

"یا رسول الله ما از جای دور آمدیم و میان ما و شما تعدادی از کفار مضر وجود دارند و ما نمی‌توانیم از خانه و محل زندگی بیرون بیاییم، مگر در ماه حرام."

حتی کفار هم در زمان جاهلیت و صدر اسلام به احترام ماه‌های حرام جنگ نمی‌کردند؛ اما وهابیت و آل سعود بی‌حیا در ماه حرام هم دست از آدم‌کشی برنمی‌دارد، زنان و کودکان بیگناه را می‌کشد و بیمارستان و مدارس را بمباران می‌کند.

این افراد از کفار زمان جاهلیت پست‌تر هستند. پست‌تر از این افراد هم کارشناسان شبکه‌های وهابی هستند که از این افراد حمایت می‌کنند.

در این روایت بیان شده است که قبیله «عبدقیس» خدمت رسول گرامی اسلام آمده و عرضه داشتند که ما نمی‌توانیم از محل زندگی خود بیرون بیاییم؛ شما به ما دستور بدهید که چکار کنیم تا وارد بهشت شویم.

حضرت در جواب به آنان فرمودند: به خداوند و رسالت من ایمان بیاورید، نماز بخوانید، زکات بدهید و ماه رمضان روزه بگیرید و خمس مغنم را پردازید.

آیا مراد از خمس مغنم، غنایم جنگی است؟! این افراد که بیان می‌کنند ما اصلاً از ترس قبیله مضر نمی‌توانیم از خانه‌هایمان بیرون بیاییم. اصلاً میان این افراد و قبیله مضر جنگی در کار نبوده است و این افراد در ترس و وحشت بودند. این روایت را برای ما معنا کنید!!

مراد از مغنم، غنایم جنگی است؟ این افراد از ترس قبیله مضر تنها در ماه‌های حرام که جنگی در کار نیست می‌توانند از منزل‌هایشان بیرون بیایند. همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» نامه‌ای که رسول گرامی اسلام به «عمرو بن حزم» نوشته‌اند، بیان شده است.

زمانی که رسول گرامی اسلام «عمرو بن حزم» را به یمن می‌فرستد تا سنت پیغمبر اکرم را به آنان آموزش دهد. حضرت به ایشان فرمودند: زمانی که به آنجا می‌روید، مردم را به کارهای خیر توصیه کنید. تا جایی که می‌فرمایند:

### «وَأَمْرُهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الْمَغَانِمِ خُمْسَ اللَّهِ»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج ٥، ص ٧٧، قدوم جرير بن عبد الله البجلي واسلامه

این آقا برای جنگ رفته است؟! مغانم به معنای غنیمت جنگی است؟! آیا در یک مورد بیان شده است "يَأْخُذُ مِنَ الْمَغَانِمِ الْحَرْبِ" یا "يَأْخُذُ مِنَ الْمَغَانِمِ الْجِهَادِ"؟! آیا مورد یافت می‌شود که نبی گرامی اسلام اشاره‌ای به جهاد کرده باشد؟! ما به هیچ وجه چنین روایتی نداریم.

همچنین در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است که آقای «محمية بن جزء» شخصی از قبیله بنی اسد و نماینده رسول گرامی اسلام برای جمع‌آوری خمس بوده است.

شما ببینید در تمام جنگ‌هایی که در زمان پیغمبر اکرم اتفاق افتاده است و غنایمی جمع شده است، نبی گرامی اسلام مسئول جمع‌آوری غنایم بوده‌اند.

شما یک مورد برای ما بیاورید که ابوبکر و عمر غنایم جنگی را تقسیم کنند، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) غنایم جنگی را تقسیم کنند. در تمام جنگ‌ها کسی که غنایم جنگی را تقسیم می‌کردند و خمس را جدا می‌کنند، شخص پیغمبر اکرم بوده است.

شاید این افراد بگویند: از اموالی که غارت و چپاول کردند، باید خمس بپردازند!! اگر اینطور بگویند دیگر عذر بدتر از گناه است. در کتاب «صحیح بخاری» حدیث ۳۶۸۰ وارد شده است که «عبادة بن صامت» که از نقبایی است که با پیغمبر اکرم بیعت کرده است.

او می‌گوید ما با پیغمبر اکرم عهد بستیم:

«إِنِّي مِنَ النَّقَبَاءِ الَّذِينَ بَايَعُوا رَسُولَ اللَّهِ وَقَالَ بَايَعْتَاهُ عَلَى أَنْ لَا نُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا نَسْرِقَ وَلَا نَزْنِيَ وَلَا نَقْتُلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»

من از جمله رؤسای قومی بودم که با پیغمبر بیعت کردیم که شرک به خدا نوزیم و دزدی نکنیم و زنا نکنیم و نفس محترم انسان بیگناه که خداوند محترم شمرده نکشیم

سپس می‌گوید:

«وَلَا نَنْتَهَبُ»

غارت و چپاول نکنیم.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص ۱۴۱۴، ح ۳۶۸۰

یکی از شرایط بیعت با پیغمبر اکرم این است که این افراد دست از قتل و غارت بردارند. اصلاً غارت نکردن از شرایط مسلمان بودن است.

همچنین در کتاب «مسند ابن ابی شیبیه» جلد دوم وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمودند:

«مَنْ انْتَهَبَ نَهْبَةَ فُلَيْسٍ مِثًّا»



از ما نیست کسی که اموال مردم را چپاول کند.

مسند ابن ابی شیبیه، اسم المؤلف: ابی بکر عبد الله بن محمد بن ابی شیبیه، دار النشر: دار الوطن - الرياض -

۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی و أحمد بن فرید المزیدی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۸۹۰

رسول گرامی اسلام به صراحت می فرماید: هرکسی قتل و غارت انجام دهد و اموال مردم را چپاول کند، اصلاً مسلمان نیست.

(د) بررسی واژه «غنیمت» در کلام فقهاء:

این مطالب در حقیقت خلاصه بحث بود. تمامی فقها در این زمینه فتوا داده اند که من تنها به یک مورد اکتفا می کنم. در کتاب «المغنی» اثر «ابن قدامه» که مورد تأیید وهابیت هم می باشد، جلد پنجم وارد شده است:

«الْفُضْلُ الثَّلَاثُ، فِي نِصَابِ الْمَعَادِنِ»

سپس می گوید:

«وَأَوْجِبُ أَبُو حَنِيفَةَ الْخُمْسَ فِي قَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ»

ابوحنیفه واجب کرده است هرکسی مال کم یا زیادی از معدن به دست آورد باید خمس آن را پرداخت کند.

المغنی، المؤلف: أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد، الشهير بابن قدامة المقدسی (المتوفى: ۶۲۰

هـ)، ج ۵، ص ۴۰۵، ح ۱۹۰۹

همچنین در کتاب «المدونة الكبرى» اثر آقای «مالک» روایتی به همین شکل وارد شده است. او می نویسد:

«كان مالك يقول في دفن الجاهلية مما يصاب فيه من الجوهر والحديد والرصاص والنحاس واللؤلؤ والياقوت وجميع الجواهر أرى فيه الخمس»

المدونة الكبرى، اسم المؤلف: مالك بن أنس، دار النشر: دار صادر - بيروت، ج ٢، ص ٢٩٢، باب في الجوهر واللؤلؤ والنحاس يوجد في دفن الجاهلية

در این روایت به صراحت بیان شده است که در تمام آنچه از زیرزمین به دست می‌آید از قبیل آهن، سفال، لؤلؤ، یاقوت یا جواهر خمس وجود دارد و باید خمس آن مال را پرداخت کنند. و این مطالب کاملاً واضح و روشن است.

در کتاب «مبسوط» اثر «سرخسی» که از فقهای بزرگ احناف است، روایتی به همین شکل بیان شده است.

«وَهَذَا لِأَنَّ الْمَعْنَى الَّذِي لِأَجْلِهِ وَجَبَ الْخُمْسُ فِي الْكَنْزِ مَوْجُودٌ فِي الْمَعْدِنِ فَإِنَّ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ تَحْدُثُ فِي الْمَعْدِنِ مِنْ عُرُوقٍ كَانَتْ مَوْجُودَةً حِينَ كَانَتْ هَذِهِ الْأَرْضُ فِي يَدِ أَهْلِ الْحَرْبِ»

المبسوط، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ٤٨٣ هـ)، ج ٣، ص ٣٥٤، باب معادن و غيرها

در این روایت به صراحت بیان شده است که به همان علت که خمس در گنج واجب شده است به همان علت در معدن هم واجب شده است.

من در این موضوع روایات زیادی دارم مبنی بر اینکه فقهای اهل سنت فتوا داده‌اند که در معدن و گنج و لؤلؤ و عنبر و مواردی از این قبیل خمس وجود دارد. و تنها در غنایم خمس وجود ندارد و در تمام این موارد خمس وجود دارد.

مجری:

خیلی عالی، ممنونم از شما جناب استاد و ان شاءالله عزیزان خوب بیننده ما به ویژه شیعیان برنامه بعدی ما را ملاحظه کنند، زیرا استاد قول داده‌اند به صورت ویژه روایات خمس را در زمان نبی گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت را بیان کنند.

به دلیل اینکه گاهی موارد از سوی عزیزان شیعه ما هم در بحث خمس کوتاهی وجود دارد، ان شاءالله با بیان این مطالب این کوتاهی‌ها جبران شود. فکر نکنیم که با پرداخت خمس از اموال ما چیزی کسر خواهد شد، بلکه خداوند متعال برکت آن را خواهد داد.

در روایات زیادی وارد شده است که توصیه و سفارش بزرگان ما است که زمانی که خمس پرداخت می‌کنید، بر اموالتان اضافه می‌شود. از این نترسیم که اگر به دفتر مرجع تقلید مراجعه کنیم و حساب و کتاب کنیم دست ما را ببندند و به زور از ما بگیرند.

ما حساب و کتاب می‌کنیم و اگر وضعیت مالی مناسبی نداشته باشیم، حتی برخی از اموالی که وجود دارد مصالحه و بخشیده می‌شود. در این موارد کارهایی از این قبیل انجام می‌شود تا به عزیزان به ویژه کسانی که حساب خمسی ندارند، فشار مالی وارد نشود. اگر عزیزان حساب و کتاب و سال خمسی داشته باشند، کار بر این افراد آسان خواهد شد.

### **بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:**

نگاهی به پیام‌های شما داشته باشم و پس از آن یک میان برنامه زیبا مشاهده کنیم و بعد از آن صدای گرم شما دوستان خوب بیننده را بشنویم.

آقا عظیم از گلستان بندر گز در ابتدای برنامه به ما پیام دادند و گفتند: همیشه شاگرد دانشگاه ولایت هستند. خداوند به شما جزای خیر عنایت کند.

آقای شریفی عزیز از ماسال محضر استاد گرامی سلام رساندند و برنامه را همراهی کردند.

حاج حسن از گنبد کاووس گفتند: خدایا زبانم، قلبم و چشمم را با نام مبارک مولایم علی و ذکرش در روح و روانم مستدام بدار؛ الهی آمین.

عزیزی با شماره ۲۹۶۸-۰۹۱۱ از استان گیلان پیام دادند و آمار ما را گرفتند و گفتند: شنیدیم که به استان گیلان آمدید. یکی از بستگان ایشان هم ما را دیده‌اند و جالب است که در ادامه نوشتند: حیف دیر خبردار شدم و گرنه یک بوس سفارشی محضر استاد گرامی می‌فرستادم.

در هر صورت این‌ها ارادتی است که بینندگان عزیز نسبت به حضرتعالی دارند. عزیزان دیگر هم تشکر کردند. آقای یوسفی از سلمان‌شهر مازندران گفته است:

"سلام خدمت حاج علی اسماعیلی و سلام ویژه محضر حضرت استاد قزوینی. بنده چهره نورانی شما را می‌بینم و برای سلامتی و طول عمر جنابعالی صلوات می‌فرستم و از شما سید بزرگوار التماس دعا آقا دارم. یا علی مدد"

آقای نیازمندی از ولایت یاوران و از دیار شیراز هستند. ایشان از دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» تشکر کردند.

آقای هادی از مشهد مقدس پیام دادند و عشق و ارادت و محبتشان را به ساحت نورانی و ملکوتی آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نشان دادند.

خوشا به حال همه ما و شما که دل‌هایمان پر از محبت آقا و مولایمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. یک میان برنامه کوتاه ولی زیبا مشاهده کنیم تا دل و جانمان با شنیدن مدح و منقبت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خنک شود، سپس برمی‌گردیم.

میان برنامه هرچند کوتاه، اما زیبا و شنیدنی بود. ما این میان برنامه را زیاد در برنامه پخش کردیم، زمانی که آن را می‌شنوم خیلی لذت می‌برم و دل و جانم به نور مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مصفا می‌شود.

### تماس بینندگان برنامه:

به دلیل اینکه می‌خواهیم به تلفن‌ها برسیم، دوستان زحمت کشیدند و بخش کوتاهی برای شما پخش کردند. برویم و تماس‌های تلفنی عزیزان بیننده را پاسخ بدهیم؛ تقاضا داریم بزرگواری بفرمایید مختصر و مفید صحبت بفرمایید تا امشب تلفن‌های بیشتری پخش کنیم.

جناب آقای نوربخش از دیار سیرجان و از شیعیان مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هستند. آقای نوربخش خدمت شما عرض می‌کنم:

بیننده (آقای نوربخش از سیرجان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما مجری محترم جناب آقای اسماعیلی و همچنین خدمت استاد عزیز آیت الله قزوینی. من دوتا سؤال دارم که اگر اجازه بدهید خدمت شما عرض می‌کنم.

سؤال اولم این است که نزدیک‌ترین روات سنی در «صحیح بخاری» یا «صحیح مسلم» یا «صالح سته» یا روات شیعه که در کتبی همانند «اصول کافی» یا سایر کتب شیعیان در دوران حیات پیغمبر اکرم و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چه کسانی هستند؟

مجری:

سؤال می‌کنند نزدیک‌ترین رواتی که به دوران حیات رسول گرامی اسلام یا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که در کتبی مانند «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» یا در منابع شیعیان وارد شده باشند، چه کسانی هستند؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

تمام صحابه‌ای که روایاتی از پیغمبر اکرم نقل کردند طبق آماری که آقای «ابن حزم أندلسی» آورده است، حدود هزار نفر بودند. این تعداد از پیغمبر اکرم یک روایت یا دو روایت یا صد روایت یا همانند «ابوهریره» که کارخانه حدیث سازی داشتند و حدود ۵۸۰۰ روایت نقل کرده است.

تقریباً از صحابه الی ماشاءالله روایت داریم.

**مجری:**

آقای نوربخش سؤال دومتان را بفرمایید.

**بیننده:**

سؤال دوم این است که سرانجام «ابراهیم بن مالک اشتر» و حکومتی که به شکست مختار ختم شد چه بود.

**مجری:**

خیلی از شما متشکرم و با شما خداحافظی می‌کنم. سؤالات شما جنبه تاریخی دارد و ما هم برنامه «پرسمان تاریخی» را در روزهای شنبه داریم. ان شاءالله در آنجا می‌توانید تماس بگیرید و استاد جباری یا استاد پیشوایی به سؤالات شما پاسخ می‌دهند.

ما روی مباحث برنامه ریزی کردیم؛ مباحث احکام سرجای خودش است، مباحث اخلاقی، مباحث اعتقادی، مباحث تاریخی هرکدام سرجای خودش است. بیشترین موضوعات ما پاسخگویی به شبهات است.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شاید ایشان سؤال می‌کنند که در میان صحابه نزدیک‌ترین فرد به پیغمبر اکرم چه کسی بوده است! اگر سؤال ایشان این است باید در جواب بگوییم که نزدیک‌تر از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به پیغمبر اکرم نداریم.

طبق شهادت کتب شیعه و اهل سنت نزدیک‌ترین فرد به نبی مکرم اسلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده است. اگر سؤالتان این باشد به سؤال شما پاسخ دادیم.

**مجری:**

منظورشان بخش اول بود که شما فرمودید. آقای رشیدی از سنج بیننده عزیز بعدی ما هستند. آقای رشیدی به شما عرض می‌کنم، شب شما بخیر:

**بیننده (آقای رشیدی از سنج - شیعه):**

سلام علیکم و رحمة الله خدمت حضرتعالی و استاد محترم نور چشم ما و همه بینندگان عزیز.

**مجری:**

ممنون و متشکرم. اگر بزرگواری بفرمایید کمی بلندتر صحبت کنید و آقای خطاط عزیز هم صدای شما را تقویت کنند ممنونیم.

**بیننده:**

من سه ایراد راجع به مبحث خمس از منظر اهل سنت دارم و به صورت کلی از لحاظ فقهی که اگر استاد محترم جواب بفرمایید خیلی از ایشان ممنونم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در خدمتیم جناب آقای رشیدی عزیز.

**بیننده:**

ایراد اول این بود زمانی که یک قاعده کلی بیان می‌شود دیگر نیازی نیست تک تک چند مورد را به صورت خاص ذکر کنیم. به عنوان مثال زمانی که من عرض می‌کنم تمام اساتید بزرگوار «شبکه ولایت» را می‌شناسم دیگر لازم نیست ذکر کنم که آیت الله قزوینی را می‌شناسم.

وقتی که مثلاً حکم کلی بر خمس آمده است، دیگر لازم نیست زمانی که غنایم دریایی یا معادن را به صورت خاص و ویژه ذکر کند. این دو مطلب با هم تناقض دارد؛ شنونده می‌گوید: شما اول گفتید، حالا دیگر این چیست.

ایراد دوم این بود که از لحاظ شرع بر معانی عرفیه محمول است. به عنوان مثال در عرف آن زمان شاید مردم برداشت می‌کردند که غنیمت جنگی است در صورتی که ممکن است غنیمت صد معنی داشته باشد.

ایراد سوم این است که فرض کنید ما می‌خواهیم پیامبر اکرم را به فردی خارجی معرفی کنیم. اولین چیزی که فرد خارجی از ما می‌خواهد این است که آیا پیغمبر اکرم دعوت به خود کرده است یا نه! زمانی که دعوت به خود کرده است معاذ الله پیغمبر اکرم را ناصدق می‌بیند.

زمانی که به عنوان فردی خارجی می‌گوییم که پیغمبر اکرم دستور داده است که علاوه بر زکات تمام اموالتان را بیاورید و کفار را بکشید و زراعت و باغبانی کنید و یک پنجم آن را برای من بیاورید؛ اولین قضیه‌ای که مورد شک واقع می‌شود این است که می‌گویند:

"دین شما دعوت به خود است، نه دعوت به سوی خدا!"

این سه ایراد و شبهه برای من پیش آمده بود؛ اگر استاد محترم که خداوند حفظشان کنند جواب بفرمایند بسیار از ایشان ممنونم.

**مجری:**



آقای رشیدی شما شیعه هستید؟!

**بیننده:**

من بحمدالله شیعه شدم.

**مجری:**

خداوند به شما جزای خیر بدهد. ان شاءالله استاد توضیح خواهند داد، شما پای گیرنده باشید تا ما یک تلفن دیگر را هم دریافت کنیم و ببینیم چقدر از وقت ما باقی می ماند. با شما خداحافظی می کنیم.

جناب آقای خرازیان از پایتخت ایران اسلامی تهران پشت خط هستند. آقای خرازیان سلام علیکم:

**بیننده (آقای خرازیان از تهران - شیعه):**

سلام علیکم، شب بخیر.

**مجری:**

متشکرم، سلامت باشید.

**بیننده:**

ممنونم از شما و از برنامه خوبتان تشکر می کنم. من فقط خواستم در اینجا به دوستان عزیز شیعه سفارش دوستانه و برادرانه کنم.

با توجه به اینکه شبکه هایی غیر از شبکه های شما شروع به بحث می کنند. متأسفانه به دلیل نداشتن اطلاعات کافی زمانی که به برنامه گوش می دهیم حس بدی به ما دست می دهد.

این افراد نمی‌توانند جواب بدهند و خدای نکرده این افراد هم شروع به تحقیر شیعیان می‌کنند. اگر ممکن است به دوستان اعلام کنید کسانی وارد بحث با کارشناسان شبکه‌های وهابی شوند که واقعاً با تجزیه و تحلیل مطالب را به خوبی آشنا هستند.

صرف خواندن تنها یک کتاب برای ورود به بحث کافی نیست. واقعاً خیلی دردناک است و من خواستم به عنوان یک برادر تنها همین مطلب را به دوستان شیعه توصیه کنم. ممنونم

### مجری:

آقای خرازیان خواهش می‌کنم، از شما و تذکر بسیار خوبتان ممنونم. یادم هست که حضرت استاد این مطلب را در برنامه‌های مختلف و به شکل‌های مختلف و با زبان‌های مختلف بیان کردند.

حتی به یاد دارم در یکی از برنامه‌ها گفتند: عزیزان شیعه که اطلاعات کافی و وافی ندارند و نمی‌توانند جواب کارشناسان وهابی را بدهند و با این افراد بحث کنند، به این شبکه‌ها زنگ نزنند.

کارشناسان وهابی از صفت زرنگی یا هر حقه دیگری استفاده می‌کنند و تلفن را قطع می‌کنند و گاهی اوقات شبهه ایجاد می‌کنند و طرف شیعه نمی‌تواند جواب او را بدهد و درواقع جایگاه شیعه به خطر می‌افتد.

توصیه شما توصیه ما هم هست. ما بارها و بارها گفتیم: عزیزان با اطلاعات کامل که توانایی مناظره هم دارند وارد مناظره شوند. در نهایت اگر خواستند بروند سؤالی مطرح کنند و اگر توان ندارند و نمی‌توانند جواب سؤال را بدهند تماس را قطع کنند.

کارشناسان وهابی اصلاً به دنبال همین هستند که کلمه‌ای بگویند و سپس بحث را به چالش بکشند. اگر کسی توانایی نداشته باشد، درواقع جایگاه خوبی نداشته باشد. همان‌طوری که شما گفتید وقتی در شبکه‌ای شاهد عدم پاسخگویی شیعیان هستیم، ناراحت می‌شویم.

آقای خرازیان خدانگهدارتان باشد. استاد آقای رشیدی از سندج گفتند: زمانی که حکمی کلی گفته می‌شود و اینکه موردی خاص را دومرتبه بیان می‌کنیم تناقض ندارد. چه لزومی دارد گفته شود؟

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اولاً اینکه ایشان الحمدلله آدم فاضل و باسوادی هستند. ما در قرآن کریم هم مواردی از این قبیل داریم. شارع مقدس حکمی کلی را بیان می‌کند، سپس عطف جزء بر کل می‌کند که در لسان عرب جایز است.

قاعده ادبیات عرب به این صورت است که کلیات مطرح می‌شود، سپس دو یا سه مورد از مصادیق و جزء مطرح می‌کنند. علاوه بر آن بحث کلی هم نیست.

در قرآن کریم کلمه غنیمت تنها در آیه ۴۱ سوره انفال وارد نشده است؛ شما مشاهده کنید در آیات مختلف کلمه غنایم آمده است و می‌خواهیم ببینیم مراد از آن چیست! اولین معنا این است که «عند الله مغنم كثيرة» است؛ در نزد خداوند غنیمت‌های زیادی است.

در آیه ۴۱ سوره انفال وارد شده است: **(وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ)** اما در اینجا «عند الله مغنم كثيرة» بیان شده است. همچنین در آیه ۶۹ سوره انفال وارد شده است:

### **(فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلالاً طيباً)**

پس بخورید (و تصرف کنید) در آنچه غنیمت برده‌اید حلال و طیب،

سوره انفال (۸): آیه ۶۹

ما این‌ها را چکار کنیم؟! مراد از غنیمت در این آیات چیست؟! آیا مراد غنایم جنگی است؟! آقایان می‌گویند: منظور از غنایم در اصطلاح شرع غنایم جنگی است. من چند روایت می‌خوانم و تقاضا دارم عزیزان به این روایات جواب بدهند.

در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد ۲ صفحه ۵۲۴ وارد شده است که پیغمبر اکرم در رابطه با روزه ماه رمضان می‌فرماید:

**«فَهُوَ غَنَمٌ لِّلْمُؤْمِنِ»**

روزه ماه مبارک رمضان برای مؤمن غنیمت محسوب می‌شود.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۱۰۷۹۳

در اینجا کلمه غنم به روزه ماه مبارک رمضان استعمال شده است. در رابطه با زکات در کتاب «سنن ابن ماجه» جلد اول صفحه ۵۷۳ روایتی وارد شده است:

**«قال رسول الله إذا أعطيتُم الزكاة فلا تنسوا ثوابها أن تقولوا»**

پیغمبر اکرم فرمودند: زمانی که زکات پرداخت می‌کنید، از ثواب آن غافل نشوید و بگویید:

**«اللهم اجعلها مغنماً»**

خدایا این زکات را برای من غنیمت قرار بده.

سنن ابن ماجه، اسم المؤلف: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، دار النشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۱۷۹۷

در اینجا از زکاتی که به فقیر پرداخت می‌شود، به غنیمت تعبیر شده است. در «مسند احمد بن حنبل» جلد ۲ صفحه ۱۷۷ روایتی به صراحت بیان شده است:

**«يا رسول الله ما غنيمَةٌ مجاليس الدكر»**

یا رسول الله غنایم مجالس ذکر چیست؟

«قال غَنِيْمَةُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ الْجَنَّةُ الْجَنَّةُ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر،

ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۶۶۵۱

ما اگر بخواهیم کلمه غنیمت را در کتب روایی شیعه و در کتب روایی اهل سنت بیاوریم، الی ماشاءالله اصطلاح داشته است. من نمی دانم آقایانی که می گویند: "در اصطلاح شرع کلمه غنیمت تنها مختص غنایم جنگی است" می خواهند با این روایت چکار کنند؟!

بنابراین جناب آقای رشیدی بزرگوار شما الآن فاضل هستید و «العاقل یکنیه الاشارة» این ذکر خاص بعد از عام نیست؛ در آیه ۴۱ سوره انفال به یک معنا آمده است، در آیه ۶۹ یک معنا آمده است، در آیات دیگر به معنای دیگر آمده است و در روایات معنای دیگری وارد شده است.

همان طور که در روایت آمده است، غنیمت در لغت به معنای سود یا ربح است؛ حال این ربح یا ربح مادی است یا ربح معنوی است.

مجری:

استاد سؤال دومشان این است که گفتند: غنیمت در عرف آن موقع همان غنیمت جنگی استعمال شده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این روایاتی که ما آوردیم نشانگر این است که مراد غنایم جنگی نبوده است. از نبی گرامی اسلام سؤال می کنند:

«یا رَسُولَ اللَّهِ ما غَنِيْمَةُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ قال غَنِيْمَةُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ الْجَنَّةُ الْجَنَّةُ»

یا در روایت دیگر حضرت می فرماید:

«قال رسول الله إذا أعطيتُم الزكاة فلا تنسوا ثوابها أن تقولوا اللهم اجعلها معنماً»

**مجری:**

استاد شاید مراد از اینکه به گوسفند هم غنم خطاب می کنند، همین معنا باشد. شاید مراد همان سود و بهره ای که دارد، باشد.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما به همین روایاتی که خواندم دقت کنید، می بینید «فَهُوَ غَنَمٌ لِلْمُؤْمِنِ» منظور غنایم جنگی نیست. این روایات در عصر نبی گرامی اسلام از زبان صحابه نقل شده است.

عرف همین افراد هستند؛ عرف ما ملاک نیست بلکه عرف همان زمان ملاک است. اگر در عرف آن زمان تنها غنیمت همان غنیمت جنگی بود، زمانی که راوی می گوید:

«يا رَسُولَ اللَّهِ ما غَنِيمَةُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ قالَ غَنِيمَةُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ الْجَنَّةُ الْجَنَّةُ»

آیا در این روایت مراد این است که ما ذکر می گوئیم و دشمن را با ذکر گفتن می کشیم و اموال او را به دست می آوریم؟! غنیمت روزه چیست؟! آیا زمانی که روزه می گیریم با روزه گرفتن کفار را می کشیم؟!

**مجری:**

استاد سؤال سومشان این است که بحث دعوت به خود برای پیغمبر اکرم باطل است و اینکه آن ها دعوت می کنند تا خمس را به ما بدهید؛ این دعوت به خود نمی شود؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در رابطه با انبیاء الهی (علیهم السلام) زمانی که برای ما ثابت شد که این نبی و این امام است، این افراد در حقیقت رسولانی از جانب خداوند متعال هست و احترام به رسول، احترام به مرسل است. در حقیقت این افراد رابطه خداوند متعال با ما هستند!!

زمانی که ما نسبت به نبی گرامی اسلام احترام می‌کنیم و نبی گرامی اسلام می‌فرماید: فلان چیز حق مسلم من است، باید پرداخت کنیم. این روایات عمدتاً با کلمه «قل» آمده است و به معنای این است که پیغمبر اکرم دستور بده و این امری الهی است.

زمانی که امری الهی است، مسئله حل شده است و نیازی به طرح مباحث نداریم.

**مجری:**

خیلی عالی، استاد از شما ممنونم خیلی بزرگواری فرمودید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سؤال دیگری نبود؟

**مجری:**

نه دیگر سؤالی نبود. آقای خرازیان توصیه کردند کسانی که توانایی ندارند در بحث شرکت نکنند و با این شبکه‌ها تماس نگیرند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در این رابطه تنها همان تعبیر امام عسکری (سلام الله علیها) اکتفا می‌کنیم. ایشان فرمودند: کسانی که قدرت جواب دادن ندارند، حرام است در مناظره و گفتگو شرکت کنند.

جواب‌های نادرست دادن از سوی کسی که جنبه علمی ندارد و اینکه نتواند جواب است، موجب لغزش اذهان شیعیان و همچنین موجب تقویت اذهان نواصب خواهد شد.

عزیزان به کتاب «بحارالانوار» اثر «مجلسی» جلد ۹ صفحه ۲۵۵ مراجعه کنند که این روایت را آورده است. همچنین در کتاب «تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)» یک جلدی صفحه ۵۲۷ وارد شده است.

ما هم در «موسوعه امام حسن عسکری» این روایت را به طور مفصل بیان کردیم، اما آدرس «موسوعه امام حسن عسکری» الان در ذهنم نیست.

**مجری:**

استاد ممنونم، دعا بفرمایید تا حسن ختام برنامه ما باشد.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک بگردان، خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار آن حضرت قرار بده، قلب مقدس ایشان را از ما راضی بگردان.

خدایا به آبروی محمد و آل محمد رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما، خدایا وهابیت تکفیری و داعش و امثال آنان را که موجب فتنه در سراسر دنیا شده‌اند به آبروی محمد و آل محمد هرچه سریع‌تر از صفحه گیتی ریشه‌کن بگردان.

خدایا به آبروی محمد و آل محمد مجاهدینی که در یمن، عراق، سوریه و مناطقی دیگر جهاد می‌کنند نصرت نهایی کرم فرما.

خدایا به حق محمد و آل محمد تمامی مریضان به ویژه مریضان مورد نظر شفای عاجل کرم فرما.



خدایا حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران عزیز به حق محمد و آل محمد برآورده نما، دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

**مجری:**

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از نگاه مهربان و توجهتان به برنامه زنده «حبل المتین» که به پایان رسید خیلی ممنونم. در پناه حضرت حق

باشید، خدانگهدار